

آمریکادرایران چگونه دولتی میخواهد؟

میکند که یک دولت مقبول مسلمان منتقل را مسلط بر ایران بیند.

(«میزان»، شماره سوم اسفند ۵۹)

در واقع نیز دولت آمریکا در شرایط کنونی دولتی را میخواهد بر ایران مسلط کند و مسلط بیند که، بگونه کثرت، آمریکا را در حمایت از رژیم طاغوتی بقیه در صفحه ۷

آقای مهندس بازرگان نماینده سابقه دار و سخنگوی شماره یک بودروازی لیبرال ایران- به این پرسش، با نوشته پاسخ داده، و با پاسخ خود، کار ما را در توضیح یکی از دوخط عمده آمریکا برای براندازی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، که خط «منح انقلاب» و بسازگشت از حیاتیاتش، که مقابله با برقررت دیگر (شوروی) است، آشنا

حزب توده ایران آماده بحث و گفتگو بارئیس جمهور است

روز یکشنبه ۲۴ اسفند ۱۳۵۹، آقای ابوالحسن بنی صدر رئیس جمهور اعلام کرد که آماده است با نمایندگان احزاب و گروهها درباره یکسلسله مسائل - که در هفت ماده ذکر شده به بحث و گفتگو بنشینند و صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران ترتیب ضبط و بخراین سلسله بحثها را میدهد. حزب توده ایران که تاکنون چندین بار آمادگی خود را برای بحث و گفتگو با نمایندگان احزاب و گروهها، دربار بحث و گفتگو با رئیس جمهور، بار دیگر آمادگی خود را برای بحث و گفتگو با رئیس جمهور درباره تمام مسائل سیاست داخلی، سیاست اقتصادی و سیاست خارجی جامعه ما، زیر هر عنوانی که رئیس جمهور پیشنهاد کند، اعلام میدارد.

دفترخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران
۱۳۵۹/۲/۲۴

نامه
مردم
آرگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال سوم، شماره ۴۶۹
دوشنبه ۲۵ اسفند ۱۳۵۹، مطابق با
۹ جمادی الاول ۱۴۰۱ - به: ۱۵ دیال

مجاهدین خلق در لبه پر نگاه (۲)

ریشه های چپ روی در سیاست «مجاهدین خلق»

مستندات ۴ و ۵

افتادن در دام امپریالیسم خبری تا کی؟!!

برای اولین بار در
تاریخ حمل و نقل
راه آهن ایران و شوروی
میزان تو خویص
و حمل کالا از
گمرک جلفا
به ۴ برابر
افزایش یافت

است، در مورد ارسال سلاح دچار مشکلاتی شده است. «خبرالله» تأکید کرد که عراق با وجود مسدود شدن ارسال تسلیحات شوروی ... قادر خواهد بود تا نیاز سلاحهای ساخت شوروی را از منابع دوستانه دیگری رفع کند. براساس این گزارش، بنظر می رسد اشاره خیرالله به کشورهای بلوک سوسیالیست باشد. مطبوعات غربی گزارش داده اند سلاح و لوازم پدکی شوروی، از طریق کشورهای بیجان و رشو راه خود را به عراق پیدا میکنند.

«از خبرالله پرسیدند چرا عراق و شوروی از اظهار نظر در مورد گزارش مطبوعات غربی بیامون ارسال صد تانک ساخت شوروی از طریق غربستان سعودی که دشمن روسیه بشمار میروند، خودداری کرده اند. وی در پاسخ گفت تأیید این گزارش برخلاف مصالح شوروی و دوستان غربستان سعودی و تأیید آن برخلاف حقیقت است، پس فرایتمورد اظهار نظر نمی کنیم.

چنانکه معلوم است، اشراف منعکس شده در بخش نخست خبر، با درستی چنان با اظهار نظرهای سراب کذب بعدی آمیخته شده است، تا از تأثیر اشراف صریح نخست بر ذهن خواننده، حتماً لغو گردد. و ابهام در موضوع بجای سرحات و روشنی اشراف مقام عراق نشینند. در اینجا سئوالهای بنیادین پیش می آید، که فقط به طرح چند نمونه از آنها، بسنده می کنیم:

- ۱- آیا تنظیم کنندگان خبر مزبور در «انقلاب اسلامی» به تقاضای فراوانی که حتی در خود خبر مندرج در این روزنامه پوشوح نمایان است، بر تیر شده اند؟
 - ۲- آیا عبارت «منابع دوستانه دیگر» اشاره به کمک تسلیحاتی ساداتها و دیگر مرتجعین عرب نیست؟
 - ۳- مگر مقامات رسمی اتحاد شوروی جعلیات «امپریالیسم خبری» را درباره باضلاح و اگاداری سلاح به عراق پس از جنگ تحمیلی داروسنه صدام حسین علیه ایران بارها تکذیب نکرده اند؟
 - ۴- مگر مقامات بلند پایه و رسمی ایران، از جمله آقای رئیس جمهور، چندین بار قطع و اگاداری سلاح را به عراق پس از آغاز جنگ تحمیلی تکذیب نکرده اند؟
 - ۵- مگر خبر «ارسال ۱۰۰۰ تانک شوروی از راه غربستان» از سوی مقامات شوروی تکذیب نشده یا بر این مفهوم اینکه «برخلاف مصالح شوروی» است که در اینباره «اظهار نظر» کند، چیست؟
- (نامه «مردم» در شماره ۴۳۸ ماهیت واقعی این خبر امپریالیسم ساخته را شکافت).
- آیا «آب و تاب» و اظهار نظرهای بعدی اضافه شده به خبر، بقیه در صفحه ۴

وزیر دفاع عراق اعتراف کرد که از آغاز جنگ ارسال اسلحه شوروی به عراق قطع شده است، ولی امپریالیسم خبری می گوشت این اعتراف صریح را لوٹ کند.

وزیر دفاع عراق طی یک مصاحبه با نشریه الحوادث (بیروت) سرعبا اعتراف کرد که از آغاز جنگ تجاوز گرانه عراق علیه ایران، اتحاد شوروی ارسال اسلحه به عراق را قطع کرده است. امپریالیسم خبری ضمن مخایره این خبر، بار دیگر بشیوه معمول خود، تلاش کرد تا دروغهایی به آن بیفزاید و اعتراف صریح، را کتک و میهم سازد و بدین طریق به ذهن شنونده و یا خواننده افغانه کند که فتوروی همچنان به عراق اسلحه می فرستد؛

تشریحات لیبرالی در ایران، طبق معمول از این شکرد امپریالیسم خبری با خنثی سازی استقبال کردند و چون «انقلاب اسلامی» آرا با برچسبانه در صفحه نخست خود منتشر ساختند که این طبیعی است. اما متأسفانه باز هم پس از ۱۳ سال تجربه تلخ، برخی مطبوعات متعبد پیرو خط امام، چون «اطلاعات» نیز در دام توپله افتادند و یکبار دیگر آژموده را آژمودند - که غیر طبیعی و ناسف بار است.

خبر چنین بود:

خبرگزاری «آسوشیئد پرس»، در روز ۲۲ اسفند ۵۹ خرداد که عدنان خیرالله، وزیر دفاع عراق، در مصاحبه با نشریه «الحوادث» گفته است (مقتل از صدای آمریکا) - ۲۲ اسفند ۱۳۵۹):

«اژش ماه پیش، که جنگ ایران و عراق آغاز شد، دولت متوج وی هیچگونه تسلیحاتی از شوروی دریافت نداشتند است. گزارش مجله بریزبان «الحوادث»، چاپ لندن، نقل از وزیر دفاع عراق، حاکیست، که رقم منع ارسال تسلیحات به عراق از جانب مسکو، عراق با هیچگونه مشکلاتی برای بست آوردن تسلیحات از منابع دیگر روبرو نشده است.

اما بخش از عین خبری که «انقلاب اسلامی» در شماره مورخ ۲۳ اسفند در صفحه اول منتشر کرده، چنین است:

«بیروت» خبرگزاری آسوشیئد پرس، نشریه الحوادث نقل از ژنرال عدنان خیرالله وزیر دفاع عراق نوشت شوروی پس از آغاز جنگ از فروش مستقیم تسلیحات نظامی به بغداد خودداری کرده است و اگر لازم شود عراق از آمریکا تقاضای تسلیحات نظامی خواهد کرد.

«خبرالله در این مصاحبه که اخیراً در بغداد انجام شده، گفت: ما بدببال آغاز جنگ حتی یافتنگ از شوروی دریافت نکرده ایم. وی افزود از آنجائیکه عراق برای دریافت تسلیحات متکی به شوروی

در صفحات بعد

کارگران صنعت نفت علیه دشمن متجاوز میروزمند

قانون کار باید عموم کارگران را به یکسان دربر بگیرد

مقاومت خلق بولیوی علیه رژیم فاشیستی نظامیان افزایش مییابد

عوامل مهم در مهاجرت روستائیان اطراف قائم شهر

براساس اطلاعاتی ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران:

تعداد زیادی از تجاوزگران صدامی در جبهه های غرب و جنوب به هلاکت رسیدند

نبرد نیروهای رزمنده ایران با ارتش متجاوز صدام در جبهه های غرب و جنوب در روزهای ۲۲ و ۲۳ اسفند همچنان ادامه داشت. در اطلاعیه شماره ۴۳۵ ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران، که اختصاص به این عملیات دارد، از جمله آمده است:

در جبهه های آبادان و خویین شهر: در تانک، پنج ساختمان دیده بان و مراکز جمع، تعدادی از سنگرهای اجتماعی و انفرادی دشمن، یک بولدوزر، یک تیربار

بقیه در صفحه ۷

«سیا»، سازمان جاسوسی آمریکا مأموران امنیتی

چین را آموزش میدهد

کدام به گروه های بولوت و کسب اطلاعاتی درباره نقل و انتقالات نیروهای دریایی و پیمان بهره برداری کرد. اگر واکنش این اقدامات متکراه را تصد کند، ابده آل خواهد بود.

همچنین روزنامه سانکیکی شیمون، نوشت که جیگ یائو، شخصیت سرشناس چین، حتی قبل از عادی شدن مناسبات چین و آمریکا گفته بود:

«تقدارید که سرلشکر آمریکایی از دریای جنوبی چین دفاع کنند. آنوقت چین قادر خواهد بود که تمام تلاش خود را علیه شمال متمرکز سازد.»

چنین است عاقبت محتوم پیگیری سیاست شوروی ستیزی در عرصه سیاست خارجی چین توسط رهبران مانوئیست چین. آری این سیاست از هادو این در حرف علیه اتحاد شوروی آغاز می شود و به هیروئیدی در عمل می انجامد.

(از هموائی در حرف تا همیوئیدی در عمل با امپریالیسم)

در روند دوستی و نزدیکی هرچه بیشتر امپریالیسم آمریکا با رهبران مانوئیست چین، نمونه جدیدی از این همکاری و همبندی توپله آمیز افشاء شد.

چندی پیش، مجله آمریکایی «کاورت اکشن» فاش ساخت که هیتس از طرف هییه سازمان جاسوسی آمریکا، جهت آموزش کارشناسان چین در مورد چگونگی کاربرد دستگاهها و تجهیزات جاسوسی ساخت آمریکا در مرزهای اتحاد شوروی، به چین اعزام شده است.

از سوی دیگر، بگفته خبرگزاری زاپن، «جی جی تیو شن»، امکان استفاده نازگان همت ایالات متحده آمریکا از بنادر چین بررسی شده است. این مسئله نخستین بار بوسیله تک شیاوئیگ، هنگام بازدید از آمریکا، در سال ۱۹۷۹ مطرح گردید.

در این زمینه، جیگ یائو، صدر هیئت ریشه شورای نظامی کمیته مرکزی حزب کمونیست چین، اظهار داشته است: «باید از حضور ایالات متحده در دریای جنوبی چین، به منظور

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

دست حقیقت از همه دستها بلندتر است

صف انقلاب - ضد انقلاب هر روز آشکارتر می شود

بلید خویش جز توطئه سازی راهی ندارند. در عین حال اینهم طبیعی است که آنها از هیچ چیز باندازه انضای چهره توطئه گران وحشت نداشته باشند و در کتمان آن نکوشند.

این شکر در راس از حوادث امجدیه و دانشگاه تهران نیز بوضوح می توان دید. در این حوادث لیسرالها به همراه ساواکیها، مائوئیستهای آمریکایی و ضد انقلاب سازمان یافته، با همیاری ناآگاهانه ولی متأسفانه فعالانه «مجاهدین خلق» (در میتینگ دانشگاه تهران)، به تحریک دست زدند، در گرگری و تشنه ساختند و آنگاه که این حوادث بعنوان توطئه ای علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران محکوم شد، کوشیدند تا پای حزب توده ایران و نهادهای انقلابی را نیز در این توطئه وارد سازند و حزب توده ایران را که همواره هرگونه تحریک، حادثه سازی و تشنه را محکوم کرده و خود بیش از همه از چاقو داری رنج بر سرده است، «حقاقدار» وانمود کنند. آنها در امجدیه - که توده ای ها طبق دستور سازمانی از شرکت در آن منع شده بودند - دستار میدادند توده ای، چاقو داز، بیوندندان مبارک و بجای «مرگ بر آمریکا»، که شعار انقلاب ایران است، شعار ریگان، یعنی «مرگ بر توده ای» را تکرار میکردند؛ پس از وقایع دانشگاه نیز آنها در نشریات خود چون «میزان» تلاش کردند تا توده ایها را شریک و سبیم در توطئه ضد انقلابی وانمود کنند...

آنها، در صورت موفقیت، بایک تیر دو نشان زده اند: از یکطرف به اجرای توطئه هفتماهه امپریالیسم آمریکا کمک کرده و با ایجاد ناآرامی و ناامنی، قانون را برای اعتبار و توده های مردم را ناراضی کرده اند و از طرف دیگر نظارتها را بجنب توطئه گران موهوم متوجه ساخته، خود و دوستان خود را از زیر ضربه خارج نموده اند، در میان مردم و مسئولین سردرگمی پدید آورده اند و نیروهای را که در یکجبهه علیه توطئه های آنان قرار دارند، علیه یکدیگر تحریک کرده اند.

این توطئه، اکنون آشکارا به شکست و رسوائی انجامیده است. تلاش ضد انقلاب، لیسرالها و مائوئیستهای آمریکایی، که اکنون همگان آنها را بعنوان محرکین

یکی از مهترین پایه های کززار دروغ پرانی لیسرالهای پیرو خط پرژینسکی را طی دو سال گذشته، ایجاد سردرگمی نسبت به ماهیت توطئه گرگزیرک، یعنی امپریالیسم آمریکایی و توطئه گران کوچک، می نماید - انقلاب، لیسرالها و مائوئیستهای آمریکایی تشکیل میداده است. در تمام طول دو سال گذشته که امپریالیسم آمریکا و وابستگان و متحدان داخلی آن، با تمام نیرو به تدارک توطئه های گوناگون، برای ساقط کردن جمهوری اسلامی ایران مشغول بودند، کودتای تکیب میدادند، تجاوز نظامی میکردند، عراق را علیه ایران تحریک میکردند و تشنه و در گرگی و ناامنی پدید می آوردند. نشریات پیروان خط پرژینسکی و محافل ضد انقلابی، لیسرال و مائوئیستی، بیسترسه جنجالها، بوج ربه محتوی، ولی به سر رسور صدا و گنج کننده علیه دوستان انقلاب ایران و نیروهای انقلابی پشتیبان انقلاب، برپا میکردند. آنها در اوج توطئه های امپریالیسم آمریکا و مزدوران داخلی آن، به اتحاد شوروی و به حزب توده ایران اشاره میکردند و از خط موهوم کمونیسم و خط موهوم شوروی فغان و فریاد بر میداشتند. آنها گرد و خاک بپا میکردند و در چشم مردم می نشاندند تا دشمن اصلی دیده نشود. امپریالیسم آمریکا و وابستگان آن را که دشمن انقلاب ایران اند، با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی و نیز کشورهای انقلابی مسلمان چون لیبی و الجزایر و سوریه و فلسطین - که دوست انقلاب ما هستند با هم مخلوط میکردند، تا امپریالیسم آمریکا از آماج اصلی خارج نشود، گروهکهای ضد انقلابی و آمریکائی - مائوئیستی را با حزب توده ایران، «بریزند تا حزب توده ایران را دشمن انقلاب وانمود سازند و برای خود «شریک» بترانند...

در این کار تعجب نیست. ضد انقلاب و لیسرالهای متحد آن، که میخواهند جمهوری اسلامی ایران را به انهدام بکشانند و دستاوردهای انقلاب را نابود کنند، آنها که بیکوشند تا سلطه دوباره امپریالیسم آمریکا را بر کشور ما تأمین کنند و ثروتهای این آب و خاک را در ازای تصاحب گوشه ای از این خوان یغما، به امپریالیستها واگذارند، چاره ای جز توسل به ترویج ندارند. آنها نمی توانند دود را بر ریاکار نباشند، زیرا میدانند که با چهره واقعی آنها، مردم جز با خشم و نفرت رویو نمیشوند. بنابراین با الفاظ خوش آب و رنگ و کلمات میان تپی، نيات واقف و دور آستان می کنند. آنها باید، هم از حقیقت گریزان باشند و باید هم تلاش خود را روی دگر سازی حقیقت، مشتمل کنند، آنها برای حصول به مقصود



انفجار دفتر حزب توده ایران در آستارا توسط ضد انقلاب

عوامل ضد انقلاب در آستارا، روز جمعه ۲۲ اسفند ۵۹، با برتاب یک بمب دستی به داخل دفتر حزب توده ایران در آستارا، آنها را به آتش کشیدند. در اثر این انفجار، که نیمه شب جمعه روی داد، خسارات زیادی به دفتر حزب توده ایران وارد آمد.

صدای انفجار این بمب بعدی بود که ساکنین این منطقه را وحشتزده به بیرون از خانه ها کشاند.

ریزش معدن «مهمان دویه» شاهرود

برای ریزش معدن «مهمان دویه» شاهرود، که ۶ روز پیش روی داد، یک کارگر کشته شد. در اثر این ریزش، ۴ کارگر دیگر نیز مجروح شدند، که حال دو تن آنان بدست وخیم است. از میزان خسارات وارده اطلاعی در دست نیست.

نقایص ایمنی سینماهای مشهد را بر طرف کنید

بندبال محاکمه تصدای از سرمایه داران مشهد و محکومیت آنان، حاکی از انقلاب این شهر طی یک سال اموال این سرمایه داران، از جمله ۴ سینمای متعلق به آنان را، مصادره کرد و اداره آن را به بنیاد مستضعفین سپرد. به دنبال صدور این حکم، ۲ سینما از این سینماها، که قبلا به علت گزارش کمیسیون متشکل از نمایندگان اداره کار، آتش نشانی، شهرسازی و چندین پند، به علت فقدان وسائل و امکانات ایمنی بسته بودند، شروع بکار کردند.

با توجه به اینکه کمیسیون مذکور همشأن پس خطرات با بودن کار ایمن سینماها، در شرایطی که از نظر ایمنی دچار احواض جدی هستند، تا یکبار، توسط مسئولین امر و بخصوص بنیاد مستضعفین می خواهیم که هر چه زودتر جهت رفع این نقایص اقدام کنند و مانع از بسوزن حوادث ناگوار در این اماکن شوند.

در جلسه علنی دیروز مجلس گفته شد:

کارگران از انقلاب دفاع میکنند و مستکبرین خونشان را می کنند

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلام، که به ریاست علی اکبر پرورش تشکیل شد، یکی از نمایندگان هنگام بحث دومرد لایحه مربوط به تأمین منافع کارگران تأکید کرد که «کارگران مهمترین سنگر مبارزه با امپریالیسم هستند» کلیات این لایحه در همین جلسه مورد تصویب قرار گرفت.

تختین ناطق قیل از دستور جلسه دیروز، پدالله دهقانی، نماینده مردم اهر، بود که طی سخنانی به شهسایر که جان خود را در راه بیروزی انقلاب و دفاع از آن نثار کرده اند، درود فرستاد. ناطق بعدی قیل از دستور مجلس، پانزده نامه نماینده مردم یزد، طی سخنانی، از جمله تأکید کرد که: «مسلمانان جهان باید هر چه فریاد دارند به سر استکبار جهانی، که در راس آن آمریکاست، بکشند».

پس از سخنان پیش از دستور نمایندگان، مجلس وارد دستور شد و ماده واحده افزایش ۲ تبصره به بند ۲ و ۳ لایحه قانونی تأمین منافع کارگران مشمول سبیم شدن در سود کارخانه های صنعتی و تولیدی، توسط محبر «کمیسیون کاره» قرائت شد.

محبر کمیسیون ضمن توضیحاتی در مورد این لایحه، از حیاس بودن مسئله کار و کارگری در انقلاب ایران سخن گفت و تأکید کرد که باید با دقت بیشتری به این مسئله رسیدگی شود. سپس چند تن از نمایندگان به موافقت و مخالفت با این لایحه سخن گفتند.

سپس میر محمد صادقی وزیر کار و امور اجتماعی توضیحاتی درباره این لایحه داد و از جمله گفت: «درست است که این لایحه اصلاحی است و کار انقلابی چیز دیگریست که باید با برنامه ریزی دقیق انجام شود، لیکن برای حل مسائل فعلی یومیه باید کاری انجام شود».

وزیر کار گفت: «برخلاف دانو فریادها، مواضع بسیار خوبی داریم. اکثریت قریب با تقابل کارگران، هملگونه که تاکنون بوده اند، مدافع انقلاب هستند. کارگر در صف انقلاب است و این ضد انقلاب است که می کوشد از فعالیت ما استفاده کند».

وزیر کار همچنین تأکید کرد: «کارگران ما آماده جانفشانی در راه انقلاب و امام هستند».

وزیر کار، ضمن تأکید بر اینکه هنوز این مستضعفین هستند که با جان و مالشان از انقلاب دفاع می کنند، گفت: «این مستکبرینند که پولها را بصورت ارز خارج می کنند و با واسطه گری و طفیلی گری حاصل کار کارگر را می برند و خوششان را می کنند».

تلاش ضد انقلاب برای به تعطیل کشاندن مدارس چادگان

عوامل ضد انقلاب و گروهکهای ریز و درشت مائوئیستی و چپنا در چادگان (از توابع فریدن اصفهان) اخیرا با یاری لیسرالها دست به توطئه جدیدی برای به تعطیل کشاندن مدارس این شهر زده اند. متأسفانه هواداران مسازمان میاهدین خلق، نیز در اینکار شرکت دارند و بجای کمک به تجزیه دانش آموزان انقلابی مدارس در جهت خراب ساختن این نقشه شیطان، عملا در کار دشمنان خلق قرار گرفته اند.

در همین زمینه باید ذکر کرد که این عوامل همچنین توطئه دیگری را نیز در چادگان به مورد اجرا گذارده اند. آنها شب هنگام به پاسداران انقلاب و جوانان انقلابی بنشین، که همبای مسایهان انقلاب به پاسداری از شهر میزدانند، حمله ور می شوند و سپس این عمل ضد انقلابی را به حساب «دکومنیستها» می گذارند. ضد انقلاب به این ترتیب سعی می کند که نیروهای را که در یک جبهه علیه دسایس و توطئه های امپریالیسم آمریکا برای پاسداری از انقلاب و دستاوردهای آن به نبرد مشغولند، از یکدیگر جدا سازد و زمینه را برای سرکوت تمامی آنان فراهم آورد».

توطئه تفهیل مدرسه و نیز ایجاد تفرقه و جدایی مابین نیروهای انقلابی در شهر چادگان، رنگ خطری است که خیز از افزایش فعالیت های سازمان یافته ضد انقلاب در این منطقه می دهد. بر سپاه پاسداران انقلاب چادگان و سایر ارگانهای مسئول اجرای شهر است که با هوشیاری و قاطعانه با این قبیل توطئه ها به مقابله برخیزند و نقشه های ضد انقلاب را خنثی سازند.

کارگران «صنعت نفت» علیه دشمن متجاوز می‌رزمند

می‌رزمند

کارگران «صنعت نفت» ایران همیشه پرچمدار مبارزه و مقاومت بوده‌اند. این کارگران در جنگ تجاوزکارانه رژیم صدام بار دیگر ثابت کردند که از بیگمترین و مقاومترین مبارزان راه استقلال و آزادی میهنان هستند. اقدامات و دلاوری‌های این کارگران، نیروی بخش تمام مبارزان میهن‌مست است. با شروع جنگ تجاوزکارانه رژیم صدام، کارگران «صنعت نفت» برای دفع تجاوز دشمن خود را آماده کردند. آنها با آموزش نظامی، تشکیل دادند و در سطح «صنعت نفت» اعلام سیخ کردند، در تمام طول جنگ، از نلیمند، هاسی که نیت مورد نیاز کشور را تامین می‌کرد، چون مردمک چشم حفاظت می‌کردند و از هرگونه وقفه در کار اسن

کارگران «صنعت نفت» برای دفاع از انقلاب و حفظ دستاوردهای آن، حاضرند تا پای جان با دشمنان انقلاب مبارزه کنند.

نلمها جلوگیری عمل آوردند. هنگام آغاز جنگ، ۸ دستگاه از دکلهای حفاری در موز ایران و عراق مشغول حفاری بودند. در این زمان چنین به نظر می‌رسد که کارگران می‌بایستی دوره‌ها و طولانی‌تر از نجات دهند. ولی کارگران سرباز خود باقی ماندند و با همکاری یکدیگر جاهای در حال حفار را امن کردند. اینم کردن جاهای مدتی طول کشید، و در نتیجه مناسفه ۱۷ نفر از کارگران بدست نیروهای صدامی اسیر شدند.

همزمان با این مسئله، ستادهای در اهواز و سایر شهرهای استان خوزستان توسط کارگران حفاری تشکیل شد. این ستادها از طریق مقامات مسئول کلیه امکانات خود را سوجیهه در اختیار رزمندگان قرار دادند. توسط این ستادها نیروی انسانی کارگران به شکل منظم و سازمان یافته ای در اختیار جیهه و پشت جیهه قرار گرفت. کارگران مبارز و سپهساز میله‌های عمومی و همچنین ترمیم ماشین آلات جنگی پرداختند. این کارگران، که از شروع انقلاب با تلاش خستگی ناپذیر در سرنگونی رژیم شاه ملعون و همچنین حفظ دستاوردهای انقلاب نقش بسزایی داشته‌اند، تاکنون در جیهه‌های جنگ، پیشر سپید داد ماند. کارگران بخشی خصوصی نیز، با اینکه بر اثر جنگ بیکار شده‌اند و هیچگونه دستمزدی ندارند، فعالانه

قانون کار باید عموم کارگران را به یکسان دربر بگیرد

کارگران موقت نیروگاه «منتظر قائم» از حقوق و مزایای قانونی بی بهره‌اند!

می‌کرد. خوشخانه پس از پیروزی انقلاب، با اخراج رئیس خدمات سابق، جلو سو استفاده گرفته شد.

معنی بکارگیری موقت کارگران اداسه دارد. کارگران موقتار هیچگونه مزایایی برخوردار نیستند و حداکثر دستمزد روزانه آنها هشتصد ریال است. از این کارگران ماهانه مبلغ هفتاد ریال بابت حق بیمه کسری می‌شود، بدون اینکه این کارگران بیمه باشند.

کارگران رسمی و مهندسین نیرو-گاه هر روز از غذای گرم، در ازای پرداخت پانزده ریال، استفاده می-کنند، در صورتیکه کارگران موقت از این حق بی بهره‌اند و باید مبلغ هفتاد ریال بابت ناهار بپردازند. کارگران رسمی از حق اولاد، حق دوری از مرکز، مزایای بیمه... بر-خوردارند، ولی کارگران موقت از این حقوق محرومند. این کارگران، پس از انقضای مدت ۷۵ روز، از کار اخراج می‌شوند.

نیروگاه برق منتظر قائم (شهریار سابق) دارای چهار واحد برق صدور پینماگوانی است، که فعلا دو واحد آن در حال بهره‌برداری است. (یک واحد آن بعلت انتقال روتور، توریس شده است، که هنوز آتزابارسی ندارد) آن دو، واحد دیگر آن بعلت تعمیرات قابل بهره‌برداری نیست).

در این نیروگاه برق، علاوه بر کارکنان رسمی، که در استخدام «نوانیر» یا شرکت تولید و انتقال انرژی هستند، عددهای کارگرم بعنوان کارگر «موقت» یا «گارتی» مشغول کارند. پیشتر انقلاب شکوهمند مردم ایران، در نیروگاه برای انجام کارهای کارهای ضروری و نیز کارهای دیگری از قبیل: باغی، نظافت، کارهای ساختمانی و نیز کمک به تعمیرکاران قسمت‌های مختلف، تعدادی کارگر به کار گرفته می‌شدند. این کارگران توسط بخش خدمات نیروگاه برای مدت معین و محدودی، که حداکثر آن هفتاد و پنج روز است، بکارگمارده می‌شدند. البته این مسئله مورد سوءاستفاده رئیس خدمات در زمان رژیم سابق قرار می-گرفت، چون او علاوه بر گرفتن مبلغی معنوی حق باقن کار، از کارگران، پس از انقضای مدت ۷۵ روز، از کار اخراج می‌شوند.

شرکت «مام سنگر» رادوباره مصادره کنید!

از مدتی شرکت را به صاحب اصلی اش واگذار کردند. در نتیجه، فعالیتش ماهه کارگران جهت ملی کردن شرکت، بدون نتیجه ماند.

شرکت مام سنگر، تا قبل از مصادره مبلغ شصت میلیون ریال از اداره راه طلبکار بود، که این مبلغ هم هنگام مصادره شرکت، مصادره شد. شرکت مبلغ شصت میلیون ریال هم، بعد از مصادره، ضرر کرده است. حال صاحب قبلی شرکت با کمال گستاخی ادعای پانصد میلیون ریال خسارت کرده است.

مشولین امر باید شرکت مام سنگر را دوباره مصادره کنند و با گماردن افراد با صلاحیت و مومن به انقلاب برای اداره شرکت، از این مرکز تولیدی حداکثر استفاده را بعمل آورند.



شرکت «پرس تو انیسپورت بار» را ملی کنید!

بطور چشمگیری به خارج از کشور ارسال می‌شود و گردانندگان شرکت سعی بر این دارند که از خارج اداره شرکت را در کنترل خویش داشته باشند. این شرکت یک شرکت چندملیتی است و بیشتر سهامداران آن از کشورهای آلمانی، ایتالیایی، سوئیسی، آلمانی و فرانسوی هستند. بزرگترین سهام این شرکت متعلق است به سرمایه‌دهی کهنومبی، که در آذرماه ۵۷، از ترس انقلاب به فرانسه گریخت. دیگر سهامداران شرکت از جمله عبارتند از: لوتس، ویدن مایسر، و لینگر...

شرکت حمل و نقل سن الملسی «پرس تو انیسپورت بار» اخیراً چندین شرکت سرمایه‌چون «کان شیب» «توان-شیب» «توخیمی کالا»، «توانسکان پینز» و «تومسال» و... را بصورت شرکت‌های جنسی تاسیس کرده است. هدف از تاسیس این شرکت‌ها روشن است: مطابق قانونی که از دوره طاغوت جدا مانده است، شرکت‌های تازه تاسیس شده، تا پنج سال از پرداخت مالیات معاف هستند. سایرین حمل‌ساز توسط این شرکتها، سود هنگفتی در پی دارند.

کارکنان شرکت مدتها است که در جهت ملی شدن آن اقدام کرده‌اند، ولی تصمیمی در این زمینه گرفته نشده است. مشولین امر باید در امر ملی شدن شرکت مادر و شرکت‌های جنسی آن بکوشند تا کارکنان این شرکت با شوق و رغبت بیشتر به کار خود ادامه دهند.

این شرکتها، که کارفرمای مشترک دارند، بدین ترتیب عمل می‌کنند که هرگاه مشتری برای انجام سفارش به شرکت جنسی مراجعه کند، آنها مثلاً برای حمل یک تن بار از او تقاضای هزار و صد دلار می‌کنند. حال اگر مشتری به شرکت مادر مراجعه کند،

کارگران برق منطقه‌ای غرب کشور در انتظار فرمان امام خمینی برای اعزام به جیهه هستند

پس از تجاوز رژیم صدام بحاکم میهن ما، در بین کارگران شرکت برق منطقه‌ای غرب کشور (کرمانشاه) شور و شوق قابل تحسینی برای شرکت در جنگ و دفاع از میهن انقلابی به چشم می-خورد. این کارگران برای حفظ انقلاب فعالانه در کلاس‌های بسیج برای فرا-گیری فنون نظامی شرکت کردند. همچنین منقشی خدمت‌های سال ۶۶ نیز با عزمی راسخ روانه جیهه جنگ شدند.

در ارتباط با جنگ تحمیلی رژیم صدام با جدت از کارگران سربق کرمانشاه با گفتگو نستیم. یکی از کارگران گفت:

«با این جنگ تحمیلی می‌خواستند طبقه کارگر ایران، در افزایش تولید، توهم خسارات جنگ و دفاع در جیهه، پیشقدم است!»

آقای مسعود رجوی از حزب توده ایران سند صداقت مطالبه می کند:

«مجاهدین خلق را بدست آورید. ... حجت باید ثابت کند که صداقت دارد. با اجازه بحث با ... حزب توده ایران چگونه باید صداقت خود را در محضر ...»

«مجاهدین خلق را بدست آورید. ... حجت باید ثابت کند که صداقت دارد. با اجازه بحث با ... حزب توده ایران چگونه باید صداقت خود را در محضر ...»

«مجاهدین خلق را بدست آورید. ... حجت باید ثابت کند که صداقت دارد. با اجازه بحث با ... حزب توده ایران چگونه باید صداقت خود را در محضر ...»

«مجاهدین خلق را بدست آورید. ... حجت باید ثابت کند که صداقت دارد. با اجازه بحث با ... حزب توده ایران چگونه باید صداقت خود را در محضر ...»

دیدگاههای دیروز و امروز «مجاهدین خلق»

«مجاهدین خلق ایران بشکرانه این هویت عظیم خدائی و خلقی، یعنی همان رزمهای کثیف و مردمی بیوزنی و وحدت که امام خمینی به مردم و بد جوانانش هدیه کرده است، خاصه آنفردترین نیستند تا با وجود و شور بی پایان انقلابی به امام و مردم تقدیم می کنند.» (۳)

«مجاهدین خلق ایران ادامه تاریخی راه سردار جنگل را در حیات هرج بیختر از مواضع قاطع ضدامپریالیستی ضد آمریکایی امام خمینی باقیانند، مواضعی که بیوسته باید از جانب هر نیروی انقلابی و مردمی با تمام توان پشتیبانی شده و منتهی شورش شوند.» (۴)

«امروز جبهه نیرودمتد خلق، در هر خیابان و کوچه و بسوزن، کشته شده است. کویسما با هر مسجد را به ستادی و هر مدرسه و کارگاه و زبزه را به سنگری تبدیل کنیم. مبارزه امروز ما، یک مبارزه تمام عیار رهاشی و ضدامپریالیستی است.» (۵)

«اکون بر تمام نیروها و جوانان انقلابی است تا با حداکثر آمانگی و جادایی، مواضع تابع آن حضرت (امام خمینی را) بگیری نموده و از جانبداری نیز دوریز شوند.» (۶)

«حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، بدرگامی مان، اکنون که انقلاب رهاشی و ضدامپریالیستی ایران درمسیر حقیقی مردمی خود محدود اوج گرفته و برآست با ریشههای استعماری و آمریکایی باطنی را ازین برآیداخته و راه هرگونه بازگشت را برآنها سد کند، فرزندان مجاهد شما که اکنون «خوشاران ادامه رسالت ضد استعماری شما هستند، جانهای ناجیز خود را که کثرتین فدیه رهاشی این مین و این خلق و مکتب است، بر کف گرفته و آمانگی شاکرکردن آنها را ... اعلام می دارند.» (۷)

«تدیس» آیت و سملی از روحانیت بدار و مبارز ایران (بود) که جوسختانده ما امروز ایران صدا شتعماری آن را در مواضع قاطع واراده ضدامپریالیستی «امام خمینی» جسم می بینیم ... راه ضد استعماری که ندیسیها آغاز نمودند، خمینی ها به اوج رساندند.» (۸)

آیا «مجاهدین خلق» این حرفها را، که از دهان خودشان بیرون آمده، قبول دارند؟ آیا هنوز روند عمومی مینهن ما را «یک مبارزه تمام عیار رهاشی و ضدامپریالیستی» می دانند؟ آیا می دانند که معنی مبارزه تمام عیار رهاشی و ضدامپریالیستی، همان مبارزه مطلق، بی کمر و همه جانبه است؟ آیا هنوز آلمان ضد استعماری صدین و «آدمه» تاریخی راه سردار جنگل را در «مواضع قاطع و اراده ضد» امپریالیستی امام خمینی جسم می بینند؟ آیا هنوز به همه نیروهای انقلابی و مردمی، توصیه می کنند که «با تمام قوا» این حرکت انقلابی رهبر قاطع ضد امپریالیست ضد آمریکا را پشتیبانی کنند و منتهم بشمارند؟ آیا هنوز «رسالت ضد استعماری» رهبر انقلاب را به رسمت می شناسند و با افرادهای شور و هجان تابید می کنند؟

اگر «مجاهدین» بر سر عهد و پیمان دیروز خود هستند، بیس این قبل و فال و کوس و گریا دربار، خطر مهلک خرده بورژوازی سستی حاکم بر انقلاب چیست؟ بیس چرا این خرده بورژوازی حاکم اصطلاح «برتر» را در صف «ضد جنش» قرار داده اند و ضرورت سرنگونی آن را مقدم بر مبارزه با «بورژوازی لیبرال و استکرا» وانمود می کنند؟ این چه حکمتی است که دیروز، «صمیمانه ترین درود و تهنیت انقلابی را» (۹) به دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، که لاسه جاسوسی آمریکا را تسخیر کرده بودند و از سوی «مجاهدین» لقب «قهرمان» انقلاب گرفتند، نثار می کرد و امروز این «قهرمانان» را بازچو یک توطئه ضد خلقی می خواند:

«ما همت جریان لاسه جاسوسی، نمایشی نه منظور بیرون کردن امپریالیست، بلکه دقیقاً «بخاطر مات کردن و بیرون نمودن نیروهای دقیقاً ضد امپریالیستی از صحنه بود.» (۱۰)

فیرمایان چه زود به ضد فیرمایانها بدل می شوند، همچنانکه فی العین «جنش مسلمانان مبارز» که دیروز «مجاهدین» و «نقطه نظر» های اسلامی و انقلابی و «مواضع ضد امپریالیستی این گروه برادر» (۱۱) را با چنان شور و غیوریت در خور تهنیت می دانستند و شرکت با آنان را در «یک جبهه واحد ضد استعماری، ضد استبدادی و ضد استارخانگی» دقیقاً مورد تأیید (۱۲) قرار میدادند، امروز در دیدگاه شایکگران دیروزشان به یکی از عناصر اصلی «جبهه متحد ارتجاع» (۱۳) بدل شده اند.

در نظرگاه «مجاهدین خلق» همه چیز زیر و رو شده است نیروئی که تا دیروز بعنوان «برادران قهرمان پاسدار» شوراگرترین «تأییدات و تهنیت های انقلابی» را دریافت می کرد و «چهره او بعنوان حامی مستضعفان دهقانان و کارگران» (۱۴) ترسیم می گردید، امروز چاق دست ارتجاع عرغتی می شود.

«مجاهدین» که تا دیروز برای مبارزه با امپریالیسم به «میلشیا» دستور می دادند که خود را در اختیار سپاه پاسداران و مکتبها قرار دهند، امروز همان «میلشیا» را، باز هم با دعوی مبارزه با امپریالیسم در مقابل سپاه و مکتبها می گذارند! کدامک از این دو سیاست از ریشه متضاد و درست است؟

نصایح و ملائمت های دیروز «مجاهدین» خطاب به چپ روهها و چپ نماها، امروز بی آنکه همه به کار خود آنها می آید، استدلال «مجاهدین خلق» و «افشا» عبرت انگیز است، آنها به آداب سیاست های وطنی هتدار می دادند:

«با بورژوازی کوچک، چیزی جز ایورتونیسیم و انحراف نیست و نهایتاً سود امپریالیسم خواهد بود.» (۱۵)

«مجاهدین» امروز بی آنکه همه به کار خود آنها می آید، استدلال «مجاهدین خلق» و «افشا» عبرت انگیز است، آنها به آداب سیاست های وطنی هتدار می دادند:

«مجاهدین» امروز بی آنکه همه به کار خود آنها می آید، استدلال «مجاهدین خلق» و «افشا» عبرت انگیز است، آنها به آداب سیاست های وطنی هتدار می دادند:

- ۱- «مجاهد» شماره ۱۰۹، ص ۱۶
- ۲- «مجاهد» شماره ۱۰۹، ص ۱۶
- ۳- «مجاهد» شماره ۱۰۹، ص ۱۶
- ۴- «مجاهد» شماره ۱۰۹، ص ۱۶
- ۵- «مجاهد» شماره ۱۰۹، ص ۱۶
- ۶- «مجاهد» شماره ۱۰۹، ص ۱۶
- ۷- «مجاهد» شماره ۱۰۹، ص ۱۶
- ۸- «مجاهد» شماره ۱۰۹، ص ۱۶
- ۹- «مجاهد» شماره ۱۰۹، ص ۱۶
- ۱۰- «مجاهد» شماره ۱۰۹، ص ۱۶
- ۱۱- «مجاهد» شماره ۱۰۹، ص ۱۶
- ۱۲- «مجاهد» شماره ۱۰۹، ص ۱۶
- ۱۳- «مجاهد» شماره ۱۰۹، ص ۱۶
- ۱۴- «مجاهد» شماره ۱۰۹، ص ۱۶
- ۱۵- «مجاهد» شماره ۱۰۹، ص ۱۶
- ۱۶- «مجاهد» شماره ۱۰۹، ص ۱۶
- ۱۷- «مجاهد» شماره ۱۰۹، ص ۱۶

«مجاهدین» از چپ روهها و چپ نماها، که عصاره گری خود را برهان انقلابی بودن می شمردند، می خواستند که چشم به روی واقعیات بکشند:

«به راستی عدم توجه به نظریات و تمایلات و پشتوانه های عظیم تودایی بنفع نظام موجود، که کیفیتی بسیار متفاوت از وضعیت گذشته است، همانا سرآغاز اشتباه محاسبه فاحشی است که بهماز شاکر خواندن ما منتهی می شود. و شکفتی در اینست که این بی توجهی بخصوص از جانب مدعیانی صورت می گیرد که متنی خود را توده های انقلابی می دانند.» (۲۰)

مجاهدین خلق در لبه

ریشه های چپ در سیاست «مجاهدین خلق»

مجاهدین خلق هیچ نیروی اسلامی دیگر را به مسلمانی راهم در ایرتن و جهان- جز یکی دو گروه چپرو و چپ نما منبر انقلابی خود به مسلمانان درس اسلام و به مارکسیست این عارضه پدرسالاری و خودمرکز بینی چه منشائی دارد؟

پشتیبانی ما از «خط امام خمینی» یک تصمیم مصطلحتی و خلق الساعه نیست

هنوز سالی برکن باورها و نظرات گذشته است، اما «مجاهدین» خود در محلی استاده اند که چپ روههای شورشی و چپ نماهای آتش بیاز سرکه را بر آنجا ترشش می کردند. «مجاهدین» با دیروز در ارزیابی حاکمیت سیاسی و رهبری انقلاب اشتباه می کردند و با امروز، که صدوهشتاد درجه دور خودشان چرخیده اند، اشتباه می کنند. اگر دیروز اشتباه می کردند، آن «صداقت» و «حسن نیت» ادعایی آقای رجوی حکم می کند که به آن اشتباه و توهمی که از این مجرا بسیاری تودها باقی مانده، اعتراف کنند، دلایل و ریشه های آن اشتباه را بشکافند و از چپ روهها و چپ نماها، که آنهمه چپ و ترکه برکف بی نشان شکستند عدرخواهی کنند، مگر به اینکه نظرات امروز «مجاهدین» در «سار» اساسی ترین مسائل، در جوهر خود، فرات چندان بی چپ روهها و چپ نماهای نظیر «بیگار» و «زندگدان» و گروه «انترف دهقانی» وهم- سخنان آنها ندارد؟ آنها هم، با کلمات متفاوتی، طرفیت ضد- امپریالیستی خرده بورژوازی را انکار می کنند، آنها هم حاکمیت خودتیا را درست ارزیابی می دانند و در سودای حافظ کردن آند (البته با این مرتب که، علیرغم «مجاهدین»، همسوی با امپریالها را، حتی با توجه بوقتی بودن و جنبه مصطلحتی و تاکتیکی آن، با برافروختنی می کنند). آنها هم ترخیز بند طوطی وار «مجاهدین» را بی کوم و کاست تکرار می کنند که: «مبارزه» ضد امپریالیستی بدون آزادی های سیاسی خودمختار و بیانش نیست.

این اتفاقات خرمی و حاشیهای با چپ روهها و چپ نماها، در برابر این اتفاق نظر محوری و کلیدی، کلا «قابل اغماض» است. به این ترتیب «مجاهدین خلق» یک معذرت خواهی رسمی به رفقای چپرو و چپ نماهای خود بدهکارند. اما اگر مثاله نمکسوس است، یعنی «مجاهدین» اشتباهات سیاسی و تئوریک خودرا در گذشته قبول ندارند، چاره ای نمی ماند جز اینکه نظرات امروز خود را بنفع نظرات متفاوتشان در دیروز زینر با بگذارند. اولین گامی یک خانه گنگانی همه جاسه، یعنی یک تعدد نظر سبادی در سیاست و متنی کونونی شان. آقای مسعود رجوی و همکاران «مجاهد» ایشان، کدامک از این دوراه را انتخاب می کنند؟

آقای مسعود رجوی از حزب توده ایران می طلبد که برای اثبات «صداقت» و «حسن نیت» خود «با افشا» تعهد کند که بعد از امام هم به «خط امام» وفادار خواهد بود، که بعد از امام زیر حرفهای فعلی- اش خواهد زد.

برای حزب توده ایران یک پشتوانه محکم وجود دارد، کهبای صداقت و خلوص او مهر می گذارد. دفاع امروز ما از خط امام خمینی و حاکمیتی که طبقه مبارزه با امپریالیسم را به پیش می برد، یک مصطلحت لفظی و یک تصمیم خلق الساعه نیست، که حضور با غیاسی آن را غیر دهد. این سیاست درک و بازتاب ضروری است که باطنی بین از انقلاب، با آن را در برنامه خود به این شکل تصریح کردیم:

آثار خستی و هرج و مرج طلبانای هتیم که چپ نمايان در صحنه سیاست روزا خود بروز می دهند. همان مع، همانجا

۲۱- برنام
۲۲- مجا
۲۳- راه
۲۴- راه

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیست

حزب توده ایران از هر دولتی که از یک تحول مترقی شد - امپریالیستی و ضداجتماعی ناشی شده باشد، بهمنوی خود پشتیبانی خواهد کرد. (۲۱)

اعتقاد علمی ما می تواند تنها آن باشد؟ رفتار امروز ما دقیقاً «تداوم و استقرار همین برنامه است. اما حتی با صرف نظر کردن از این شاهدزنده و دلیل موجه، می توانیم به آقای رجوی گوئیم: اگر طبق برهان شما، اثبات حسن نیت و صداقت حزب توده ایران موکول به آینده است، درباره خود شما، که از هم اکنون زیر حرفهای قبلیتان درآید، چه باید گفت؟ بی صداقتی؟ بی حسن نیت؟ در یک کلام: امپروتیست؟ ضمناً اسلوب شما دو لبه دارد. لبه آینده اش احتمالاً «به فرق حزب توده ایران حواله شده است، اما لبه کنونی اش قطعاً» و حتماً

خلق در بینه پروتگه (۲)

آقای رجوی «مجاهدین خلق»

بگر را به مسلمانان قبول ندارند، هیچ جریان مارکسیستی گروه چپ و پرو چپانما - مارکسیست نمی شناسند، آنها از فرافز اسلام و بیجه مارکسیست ما درس مارکسیسم - لنینسیم می دهند. چه منشا می دارد؟

بر تارک خود شما می شنید. به روایت کشمیر: آه، ای قریب حفته در گفتار...

چرا آقای رجوی پروتاریای جهان را به پروتاریا بودن قبول ندارد؟

دعوی بیگانگی جوهر سیاست کونی «مجاهدین خلق» یا چپ - روها و چپانها، نیاز به اثبات ندارد. این بهتان نیست، حقیقتی است که «مجاهدین» از فرط اعتماد به آن، از اصرار آن شرکمی هستند. وقتی آقای مسعود رجوی با لحن خصمی و ختم جانبداری، که از هر کلاش فوران می کند، به فدائیان اکثریت بوزش می برد که نام «سازمان چریکهای فدایی خلق» را غصب کرده اند، وقتی در بخشیم - چپروهای اقلیت، آنها را وارثان اصلی شهدای سازمان و متعصبان - کداران انقلابی آن می شناسد. در واقع از خویش حمایت می کند. آقای رجوی، با حاشای قانون بندی تکامل سازمانهای سیاسی مردمی، علیه «اکثریت» که به مصمم به دفاع از دستاوردهای فدا امپریالیستی اقلیت است، تیغ می کشد که:

«من نمی دانم چرا و به چه دلیل متمسکین، بعنوان اکثریت سازمان چریکهای فدایی ما شده اند؟ (۲۲) شدت ناراحتی به واقفیت است که آنکارا کار را به دهن کجی کردن و غرورند به واقفیت کشاند است. وقتی واقفیت به میل من نیست، گذار تا سر به تن نشانند، این جان کلام رهبر «مجاهدین» است. اما ایشان چه خواهند، چه خواهند. اکثریت، اکثریت است، واقفیت و امنیت است. اقلیت، اقلیت است، و حرفهای ما هم تعبیری دروضع یافت می دهد. خوب، اگر تمامی کادر مرکزی و اکثریت سنگین مسئولان بویتر «سازمان چریکهای فدایی خلق ایران» برگرد متنی جدیدی که با اصول تقریباً تمامی احزاب عدی کارگری و کمونیست جهان همسراه است، جمع شده اند، به آنها که ظاهراً بیرو و معتقد به ایدئولوژی مارکسیستی - لنینیستی هستند، در ربطی دارد؟ آیا صلاحیت چنین مدعیانی برای لغف دادن و لغف گرفتن از توده های سازمانی و هوادارانی که از گوشت و پوست سازمانند و به مارکسیسم - لنینسیم باور دارند، بیشتر است؟ آیا صلاحیت این مدعیان، برای امپروتیست خواندن یک جریان مارکسیستی و انقلابی خواندن جریان دیگر، برای تأیید یا تکدیب راه و رسم پروتاری، از پروتاریای جهان خواهد گفت؟ «بله!» البته آقای رجوی در نهایت فروتنی خواهد گفت: «بله!» ایشان این «بله» شگفتی انگیز را البته ترک و راست نمی گویند، اما بطور ضمنی و در عین حال به گونه کامل و واضحی آن را به شما حالی می کنند. چطور؟ خیلی ساده است، ایشان از موضع دادستان انقلاب جهان، ادعای نام صادر می کنند که:

«راه رشد سرمایه داری است» (۲۳)

وقتی شما اعتراض می کنید که این نظریه اصولاً به حزب توده ایران منحصر نیست، ما منسخر خواهند شد:

«مجاهدین خلق به شهادت تمام نیتها تمامی کشورهای زیر سلطه مثل سوئالی، مصر و ایتالیا هم، این راه را انحرافی و فرصت طلبانه می دانند» (۲۴)

۲۱ - برنامه حزب توده ایران، بخش سوم، ص ۲۸
۲۲ - "مجاهد"، شماره ۱۰۹، ص ۹
۲۳ - "مجاهد"، شماره ۱۰۹، ص ۱۱

شما به مطلب خلاف واقعی که آقای رجوی گفته و توقف راه غرب - سرمایه داری را در سه چهار کشور معنوان شکست تمام کشورهایی که این راه را می گیرند، و نامزد ساخته، اعتقاد نمی کنید. شما همچنین درباره ۱۶ کشور، که تا پیش از ۱۵۰ میلیون نفوس، این راه مانده است، برگزیده اند، و مباحثی از آن را هم با موفقیت روزهافزون سپرده اند و می بیایند، حتی نمی گویند. اما شما اعتراض می کنید که:

«پس از ۸۰ حزب کارگری و کمونیستی و همچنین کشورهای سوسیالیستی و نهضت های آرزو بخش ملی پای سند این نظریه امضا - گذاشته اند و صحت انقلابی آن را در شرایط عصر ما تأیید کرده اند. کشورهای نظیر ویتنام، لاوس و کوبا و شوروی و آنکولا و موزامبیک، از این جمله اند. آیا همه این تأیید کنندگان و تبلیغ کنندگان، «مصرف» فرصت طلب» و «امپروتیست» اند؟

آقای رجوی می گوید:

«ولی مجاهدین اصولاً این شیوه را در فاز نهائی تکامل ضد - خلقی امپریالیسم غیر ممکن می دانند... و یا زرد هر نوع راه رشد سرمایه داری (حتی هر نام) از راه رشدی که ما آن را راه رشد - استثنای توحیدی می نامیم، دفاع می کنند» (۲۵)

لازم توضیح نیست که «راه رشد ضد استثنای» همان انقلاب سوسیالیستی است، درحالی که خواست انقلاب سوسیالیستی برای کشوری در شرایط کونی ما همان آرزوی عیرواقع بنامهای است که حبروهای امریایی به دنبال آن می روند. اما تا توضیحات گذشته این مطلب روشنی می یابد که آقای رجوی پروتاریای جهان را به پروتاریا بودن قبول ندارد. احزاب کمونیستی و کشورهای سوسیالیستی را در احراف و فرصت طلبی می بیند و معتقد است که عقل هیچ انقلابی و سوسیالیستی در جهان به اندازه ایشان قد نمی دهد که «راه رشد غیر سرمایه داری در فاز نهائی تکامل ضد خلقی امپریالیسم غیر ممکن است!» پروتاریای جهان به این ترتیب کارگران و خلق های کشورهای درحال رشد را با افسوس و تریب به مدخل می کشد و زیر تیغ سرمایه - جهاسی رها می کند. چه حیات هولناکی!

وقتی ویتنام قریبان، پروتاریای دوران ساز اکثریت و کوبای انقلابی دست رد از آقای مسعود رجوی را در سینه خود احساس می کند، حزب سوسیالیستی ایران و «فدائیان اکثریت» در جیب خود دارند. آقای رجوی می تواند «فدائیان اکثریت» را، با وجود تأیید اکثریت، «غاصب» و در داشتن عنوان «اکثریت»، با حق شمارد. حتی حق دارد از این پیشتر برود و ایشباع «اقلیت» یک سازمان را از رسمیت ببرداند و مدعی شود که «اکثریت» از سازمان انشباع کرده، یعنی «اکثریت»، که از قضا تمامی کادر رهبری و اسوه مسئولان و اعضا را در بر می گیرد توسط اقلیت کوچک کنار رده شده است! این درست حکم آن سلطان مستبد فرانسه را دارد که وقتی مردم علیه او برخاستند، دستور انحلال شد را داد! تاریخ چه طریزها که ندارد!

آقای رجوی هنوز در خط چریکی است

اصرار و علاقه، وافر آقای رجوی در دفاع از چپروهای «اقلیت» نفی و وضعی یک وکیل سخنری نیست. این تلاشی است برای آری دادن به آن جوهر انقلابی خرد پروتاریایی، که در رگهای خود ایشان سیلان دارد. خرد پروتاریا، هر قدر هم با فرهنگ باشد، لاف اول در نه دلش در کیمین پروتاریا است. از این دیدگاه، برخاستی آقای رجوی علیه پروتاریای جهانی، سازمان سیاسی طیف کارگر ایران، نظریه انقلابی راه رشد غیر سرمایه داری، که مبره خویش جناسی سوسیالیستی است، و هر آنچه اصل و نسب کارگری دارد، با بل فهم است.

تشابه نظرات آقای مسعود رجوی درباره راه رشد غیر سرمایه داری با چپروها، چپانها و ماویست های ورشکست شده، به در ذات آن، بی شک است. آنچه می گویند: آنچه راه رشد غیر سرمایه داری خوانده می شود، در واقع همان راه رشد سرمایه داری است. چپانها، که انواع ماویست های نفاذی و بی نقاب (و از آن جمله سازمان «بیکار») مظاهر محض آنها، ادعا می کنند: راه رشد غیر سرمایه داری اختراع روزیویست هاست، تا از این دلیل طیفه کارگر را به کشتارگاه بکشاند... (۲۶)

صدای از صداهای این ارکستر بودن، سربازی از سربازان این جبهه آشوب و ناآشکبایی بودن است. با پروتاریا را از انقلابی ترسین نیروهای جهان بودن، با انقلاب نبودن است که از این کوره راه متروک می رود، از همانجا سردر می آورد که آقای مسعود رجوی سرباز بوده است، ایشان امروز هم به آثار ششمین سی دورانی که، در شرایط احتیاجی آریامبری، روشنفکران خدا از توده و طبقه را به جنگ تن به تن بی حاصلی کشاند و خون آنها را در میدان رزمی، گیسرود. هایش بطرز موجنی نامشعب بودند، رجعت می یابند.

آقای رجوی، به «فدائیان اکثریت» از آنرو برجت «امپروتیسم راست» می زند و عناوین سازمانی آنها را مصادره می کند که، به رغم ایشان، «سهاکل» مرز تاریخی سن انقلابی بودن و امپروتیست بودن است:

«با سهاکل بیعد، مگر نه ایست که اصولاً جوهر و مبنای حرکت فدائی منجمله در میزهای تاریخی استواری است که مابین خود و امپروتیسم راست بیهوده ریخته بود، مشخص می شود» (۲۷)

با موازین آقای رجوی، تنها سرات دار واقعی «سهاکل» با شرف دهقانی و چریکهای مسلح اوست، که هنوز صفت نهنگهای «سهاکل» را در دست می نهند و حتی نوبی رگهایشان بجای خون، باروت جاری است. اما «سهاکل»، که در نین جادنی آن، حماسه شورانگیز عاشقانی بود که خود را در وایهاشان آتش زدند، در بعد سیاسی، شیوه و آمینی را ارائه داد که، از لحاظ تاریخی، نزدیک به یک قرن شیوه و آمینی را ارائه داد که، از لحاظ تاریخی، نزدیک به یک قرن

۲۵ - همان منبع، همانجا
۲۶ - "چپروها"، منظره خرد پروتاریا، و راه رشد غیر سرمایه داری، ص ۳۵
۲۷ - همان منبع، همانجا

بیشی منسوخ شده بود. لنین این واقعت گردنه را نوبی صورت مدعیانی می گوید که جهان محور خوینند، که تاریخ و تجربه های ما را به بوز - خند می گویند:

«آثار ششمین محصول ناامیدی است. روحیه روشنفکر بی سامان یا سرگردان است. روحیه پروتاریا نیست» (۲۸)

و گوئی خطاب به چپروهای نظیر آقای رجوی است که بکسی از فرزانگان انقلابی زمانه، ما می گوید:

«تظریه دیگری هم وجود دارد: «فرد انقلابی را حاجت نیست که به وضع انقلابی ببندیدند، زیرا که انقلابی راستین خود آفریننده وضع انقلابی است» اینست شرح یکی دیگر از بندهای بوج. این نظریه سرآیا ذهنی، تمامی تجاری را که تاریخ کرد آورده، نغش عوامل عینی روابط علت و معلولی و در آخرین تحلیل، نقش طبقه کارگر را نفی می کند... تیزکاری های عظیمی را که این نظریات علیه جنبش انقلابی برانگیخته و زبان های را که به بار آورده، باید به حساب کسانی گذاشت که از چنین سیاست محکوم به شکستی دفاع می کنند.

نظریات زبور، از نقطه نظر معیار مبتنی بر واقفیت مسازره طبقاتی، که جریان آن هنگام با قوانین واقعی جنبش نیروهای اصل طبقاتی انجام می گیرد، حداقل دور از واقع بینی و نمودار بندهای است. به همین سبب این نظریات به کلی غیر قابل قبول و باز ناساب تئوریهای بیگانه غیر پروتاری، غیر انقلابی و نتیجه تأثیر ایدئولوژی دشمنان هستند» (۲۹)

«ولوتاریسم» چپروها، فقط مانع ارتقا سطح آگاهی انقلابی - ترسین طبقه نیست، فقط بر حمله طبقاتی جامعه سرمایه داری سروسس نمی گذارد، بلکه پروتوتورترین عناصر مبارز را به سراب و سراه می کشد و با کمترین شرع نفی می کند. اینست آن جوهر که آقای رجوی با سکت گداختن تجربه تاریخ با لایان اخیر و به ویژه در سهای غمی انقلاب ایران از خود بروز می دهد. آقای رجوی، که گوئی هنوز غرق سوداها و تخلیات چریکی است و آتش بازی قهرمانان گیسخته از خلق را در کمر دار می لنگد شیخون و ترور، بانک جرس انقلاب می بندارد، راموش می کند که مبارزه مسلحانه فردی او و دیگر رزمندگان، که تلاشی سود برای برافروختن حریق انقلاب، وقتی که حریق عظیم در مقابلی خلق و تاریخ فرا رسید، نتوانست در آن نفی بر عبیده بگیرد. «مجاهدین» توده روزهای قیام بهمین، که مردم مسلح در میدان بودند، تقریباً خیز و آشکاری بدانشند. چریکی که، در شرایط رکود جنبش، خواب انقلاب می بیند، در لحظه انقلاب، بیرون از سنگر، در خواب بود، و جد - سازماندهی و تدارک، در لوله تفنگ خلاصه شدن، ناگزیر در روز رسالت تفنگ، غرق سازماندهی و تدارک است و تحمل می کند. اینست آن تجربه ای که آقای رجوی به حاشای آن برخاسته و بجای آموشن آزان، برای دین کردن، بر سر «فدائیان اکثریت» فریاد می زند:

«اینکه نمی شود هر کس از سازمانی قهر کرد، بیاید و خود را تکامل یافته آن معرفی کند» (۳۰)

نه، آقای رجوی، نمی شود. اما خود تکامل را هم، که یک کبشر و قانون بندی و دلیل سلامت و نجات، نمی توان منکر شد.



هدف این سیر و گشت، نشان دادن جان ماهه چپرو در فضای «مجاهدین خلق» بود. «فدوای عقاید مذهبی با عریضی و سرانجام این واقفیت سرخست، لبانی و تعلقات و روحیات با می آزان است که سخی می گوید. رگهای تاب چپرو در سیاست و اخسوال «مجاهدین» منزه اصلی جرخش دورا انگیز امروز آنها نیست سه دیروز، از این ناحیه به آن قشعه بریدن و دیگر یوسانهای ملی آنها است. تا وقتی عضو عظیم متوطر در جامعه متراکم و در بلاطم است، بروز این روحیات، در این یا آن سازمان سیاسی خلقی، در وجود این یا آن رهبر اجتماعی - البته به درجات مختلف - احساس باید پیر است. تعجب دقیق رگها و ذخائر چپرو در سراسر «مجاهدین خلق»، بروده یک سؤال قدسی، اما همچنان مطرح را زد می آورد:

۱۳۵۴ زیر بیرو چپنمای مارکسیستی، جاد نهایی برینش و برسسل اتفاقی بود؟

چرا کودتاگران به سهولت توانستند بر سازمان جیره شوند و سگان رهبری و اهرمهای موثر آن را قبضه کنند؟ زمینه عینی و ذهنی این جرخش به ظاهر صدوهشتاد درجه ای کجا بود؟

و اکنون، اشتراک موضع «مجاهدین خلق» با همان متمسکین چپنمای دیروز و «سازمانی بیکار... امروز، در ماهیت اساسی ترین خطوط آنها، بر چه محلی قائم است؟

بر اساس شواهد پریشاری که اکنون در دسترس است، آیا نمی توان سیر «مجاهدین خلق» را بسوی آن دکورسی و، در بسی آن، کودتای درون سازمانی، یک سیر طبیعی و قانونمند دانست؟ آیا دلائل چنین بقینی بیشتر و محکم تر از خلاف آن نیست؟

و امپروتیست...

درباره «مجاهدین» گذار فردا حرف آخر زد - همچنانکه امروز منمات قلمی را در مورد «مجاهدین» در روز «سازمان بیکار» به ثبت رسانده است. تأیید خبر فردا، به نلی و شکستی حرجی که درباره «دیروز کودتای» «مجاهدین بیکاری» زده می شود، نماند. امید که به همت خود «مجاهدین» بساید...

۲۷ - "مجاهد"، شماره ۱۰۹، ص ۹
۲۸ - مجموعه آثار، ص ۲۲۷
۲۹ - "مجاهد"، شماره ۱۰۹، ص ۹
۳۰ - "مجاهد"، شماره ۱۰۹، ص ۹

لیستی و دمگراتیک ایران در جبهه متحد خلق

عوامل مهم در مهاجرت روستائیان اطراف قائم شهر

دروستاها کلیخ حیل، پریچیک و آهنگر کلیمه سر، از توابع قائم شهر، نبودن زمین کافی و آب زراعی موجب رکود کشاورزی و مهاجرت روستائیان شده است. کارکنان وزی در این روستاها با ابزار آلات پیشرفته انجام می‌گردند و بزرگ مالکیتی سنتی در این روستاها نیست. اهالی این روستاها مشکلات کمبودهای دیگری نظیر: نبودن برق، آب، حمام، درمانگاه و غیره دارند، که در انتظار رسیدگی مقامات مسئول هستند. با وضع این روستاها بیشتر آشنا شویم:

دروستا کلیخ حیل، ۴ کیلومتری شهر پریچیک، ۱۵۰۰ نفری است. می‌کشد. زمین کم آبی و کلی قطع زمینی، در حدود ۷۰ الی ۸۰ هکتار، بر اثر تری توجیهی مالک آن که در زمان طاغوت مهاجرت به دهقانان روادار شده بود، بلا تکلیف مانده است.

عده‌ای از دهقانان این روستا با مراجعه به هیئت نظری و آگاهی از زمین در قلمشهر، اقدام به واگذاری این اراضی به دهقانان بزمین و کم زمین شده است. هیئت نظری از امر موافقت کرد و زمین‌داران رهنمودهای لازم به دهقانان، قرار شد که دهقانان زمین را به مدت یک سال با نظارت هیئت واگذاری زمین بطور موقت بکار کنند و پس از برداشت محصول و احتیاجات خوراکی در زمین به دهقانان واگذار گردد.

با توفیق بنده "ج" واگدماندن فعالیت‌های هیئت‌ها و واگذاری زمین، دهقانان که می‌خواستند اقدام به کشت روی زمین مزبور کنند، در عمل به مشکلات جدی برخوردند. بعد از آن زمین‌ها، که با همکاری میمیانم چهان سازندگی انجام گرفت، پس دهقانان اختلاقی بی‌برورد، که با تری از کشت و نسیب زمین، کشتار توضیحی تسلیمی لازم نیز انجام گرفت. در نتیجه بخشی از هزینه کشت چهار سال سازندگی

برداشتند. زمین آماده کشت بدون کشت ماند. قسمتی از این زمین، که هم‌چنان در دهقانان بوده است، توسط جنگلیانی منطقه "اراضی ملی شده" اعلام گردید. اداره جنگلیانی چند نفر از دهقانان را به دادگاه انقلاب کشاند. دادگاه این دهقانان را محکوم به پرداخت ۳۷۵۰ ریال جریمه کرد.

در حال حاضر در برابر مقامات مسئول، وظیفه بینگبری و حل اختلافات موجود و کار توضیحی در توشیح دهقانان به هم‌کاری و تعاون قرار دارد.

روستای پریچیک، در ۱۹ کیلومتری قائم شهر، از محروم ترین روستاها منطقه است. زمین های بزرگ این منطقه کوهستانی بطور عادلانه میان دهقانان تقسیم شده است، بیشتر اهالی این روستای ۴۰ خاوساری (۱۸۰ نفر) دهقانان کم زمین و بی زمین تشکیل می‌دهند. از برق و آب آشامیدنی، بهداشت و حمام خبری نیست. چمنه آب آشامیدنی، که به همت جهاد سازندگی مهیا شده، کفایت نمی‌کند. کودکان روستا فقط تا کلاس چهارم می‌توانند در روستا درس بخوانند.

یکی از روستائیان به نام رستم می‌گفت:

روستای سنگی قلعه ما ۱۳ خانوار در ۷ کیلومتری رزن همدان قرار دارد. از ۱۳ خانوار ساکن در روستا، ۸۰ خانوار کتا و زوزو، ۲۰۰ جوش نسیب هستند. در این روستا بزرگ مالکی وجود ندارد. محصولات روستا را کتدم، جو، یخود و سایر حبوبات تشکیل می‌دهد. در سنگی قلعه آب به وفور یافت می‌شود، لیکن به علت کمی زمین، محصولات آن در محل به فروش می‌رسد و قابل صدور به شهر و دیگر نقاط نیستند.

پیش از انقلاب، اراضی روستا بوسیله شرکت رزنی (تازه شهر)، که در یک کیلومتری ده قرار دارد، بکشت می‌شد. ده قرار دارد، بکشت می‌شد. اهالی نیز سهامداران شرکت مذکور بودند. شرکت سهامی رزنی چند ماله در سنگی قلعه روستاها را بکار می‌برد. کتا و زوزو در روستاها کشت می‌کردند و در مقابل هر کتا و تراک ۵۰ تومان به صاحب سهم می‌پرداخت. لیکن در حال حاضر (پس از انحلال شرکت) زمین ها در دست اهالی است. در اراضی نیز کتدم و جو کشت می‌شود.

بنگی قلعه‌ای ها، شرکت سهامی زراعی و مشکل پائین بودن سطح تولید زراعی روستا

روستای سنگی قلعه ما ۱۳ خانوار در ۷ کیلومتری رزن همدان قرار دارد. از ۱۳ خانوار ساکن در روستا، ۸۰ خانوار کتا و زوزو، ۲۰۰ جوش نسیب هستند. در این روستا بزرگ مالکی وجود ندارد. محصولات روستا را کتدم، جو، یخود و سایر حبوبات تشکیل می‌دهد. در سنگی قلعه آب به وفور یافت می‌شود، لیکن به علت کمی زمین، محصولات آن در محل به فروش می‌رسد و قابل صدور به شهر و دیگر نقاط نیستند.

پیش از انقلاب، اراضی روستا بوسیله شرکت رزنی (تازه شهر)، که در یک کیلومتری ده قرار دارد، بکشت می‌شد. ده قرار دارد، بکشت می‌شد. اهالی نیز سهامداران شرکت مذکور بودند. شرکت سهامی رزنی چند ماله در سنگی قلعه روستاها را بکار می‌برد. کتا و زوزو در روستاها کشت می‌کردند و در مقابل هر کتا و تراک ۵۰ تومان به صاحب سهم می‌پرداخت. لیکن در حال حاضر (پس از انحلال شرکت) زمین ها در دست اهالی است. در اراضی نیز کتدم و جو کشت می‌شود.

بنگی قلعه فاقد برق و درمانگاه است. اهالی به هنگام بیماری باید به درجین و سا تا شهر بروند. در این روستا دبستان ابتدایی وجود دارد و دانش آموزان راهمایی و نظری باید به تازه شهر، که در یک کیلومتری سنگی قلعه قرار دارد، بروند.

سنگی قلعه فاقد آب لوله‌کشی است و اهالی آب شامیدنی

نشریه پیام: اکثر بدبختی‌های روستائیان معلول مبارزه حضور و تجاوز مالکین بزرگ است

تلاش‌های مذبحانه ندارند. در غیر اینصورت با آنها بعنوان خداوند، باطاعت عمل خواهند شد. در همین شماره این ستاد، از همه برادران و خواهران کشاورز خواستار برائی اینکه بتوانند هم کشاورزان را از زمینداران بزرگ و فئودال‌ها بگرد، اختلافات و درگیری‌های خود را در مورد زمین متوقف کنند.

این نشریه با عده‌ای از روستائیان مردم محل، مواجهه کرده است. در این مصاحبه، از جمله معلم روستای "اسرم"، علی اکبر مجیدی، در پاسخ شوال: "من نظر شما مخالفین این طرح چه کمایی هستند؟" گفته است:

"مخالفین این طرح، همان فئودالهایی می‌باشند که در روستائیان بی‌زمین را تحت سلطه خود دارند. البته ساواک و گروه‌های دیگر نیز به طرق مختلف در راه می‌شوند. یکی دیگر از کارگران زمین نیز می‌گردد:

نروهای انقلابی بی‌روح امام در استان مازندران تاکنون فعالیت‌های بسیاری در جهت مافع مردم منطقه و بخصوص روستائیان زحمتکش این استان داشته‌اند. این نروها دارای روزنامه‌های محلی نیز هستند، که در آن مشکلات روستائیان مردم، خصوصاً در ارتباط با مسئله زمین و کشت، انعکاس می‌یابد.

از جمله این نشریات، "دوشنبه پیام مبارز" و "نشریه هیئت واگذاری زمین استان مازندران" هستند. برای اطلاع بیشتر از اوضاع منطقه و آشنایی با مشکلات روستائیان و نحوه کار هیئت‌های نظری، مطالبی از این دو نشریه را نقل می‌کنیم:

"دوشنبه پیام مبارز"، شماره ۱) گزارش متروخی در بار روستای "ماب" - کلا" به چاپ رسیده است. در این گزارش ضمن معرفی عده‌ای از مالکان بزرگ منطقه، در بار فریضه‌های مابانی‌های وضع زندگی روستائیان آمده است:

روستائیان معلول حضور و تجاوز مالکین بزرگ و به بیگاری و مزدوری گرفتار زارین و زن و فرزندهای آنان می‌باشند. درست در همین رابطه است که اجرای سریع و دقیق طرح واگذاری زمین و تعدیل مالکیت سرزمین‌های زراعی، شرط ضروری دوام بقای نظام جمهوری اسلامی خواهد بود.

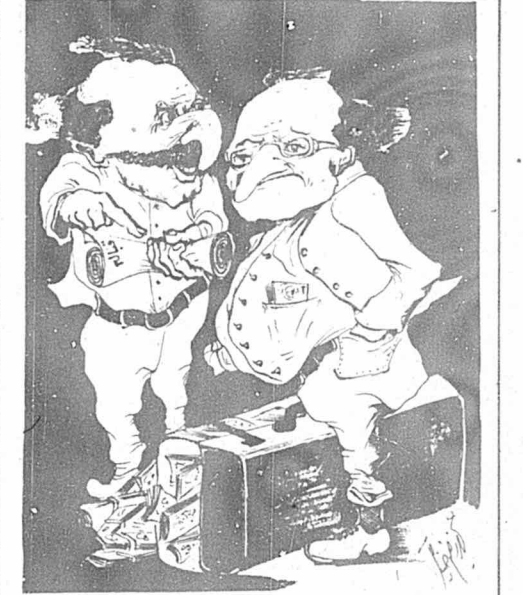
نشریه "هیئت واگذاری زمین استان مازندران"، نیز، در شماره "ماب" ضمن شرح دستگیری فردی بنام "موسی آبادی" توسط سپاه پاسداران، که از فئودالهای منطقه بود، مورد کار شکل شوراهای روستایی کارگش می‌گردد، آمده است:

"برای چندین بار به کمائی که بخواهدند از واگذاری زمین اختلال کنند، احتظار می‌شود، دست از این

امام خمینی: مستضعفین باید با زور حق خود را بگیرند.

بودن این مناطق باعث تودک دهقانان دست از کار کتا و زوزو بکشد، ماکه این همه نیاز به تولید داخلی زراعی داریم، سا بجا جاره کتدم که زمین‌هایی که در سال گذشته کتدم می‌شدند، حالا صورت بایر می‌شوند و بی مصرف می‌مانند. با واگذاری این زمین‌ها به دهقانان و در اختیار گذاشتن امکانات کتایی و تولید و سطح کردن زمین‌ها و آساری و بندر و کود و تمهین نوع کشت‌هاست، می‌توان بطوری مهاجرت بی‌پرویه دهقانان را به شهرها و روستاها گرفت و زمینه رشد تولید و بهبود زندگی دهقانان را فراهم ساخت.

بزرگ مالک به سرمایه دار وابسته: برای تو خوبه! وطن‌ت رو گذاشتی توی یک کفن و می‌بری آمریکا! من چکار کنم؟! اینم به "ده" و رزمه و مزرعه را که نمیشه گذاشت توی کفن!؟



زارع بی زمین خودکشی کرد!

در ۳ شرد ۸ کیلو متری ترق داران (از استان قزوین) بی‌زمینی بر اثر فشار مالک زمین خودکشی کرد. مالک از تری سکه زمینش را هیئت نظری تقسیم کند و به زمین بدهد، که تا بعد زمین را رها کند و در اختیار مالک قرار دهد. مالک تهدید کرده بود که در صورت عدم تحویل زمین، وی را زیر چرخ‌های تراکتور "ک" خواهد کرد.

بی‌زمین دهقان، که یک عمر در روی زمین کار کرده بود و موهایش زیر فشار کار سفید شده بود، روز چهارشنبه ۵۹/۱۱/۲۹، از قزوین با حقی خود را دارمی‌زند و خودکشی می‌کند.

پس بی‌زمین، که جوانی است به نام "کیهان"، تصمیم است که با مالک زمین و در واقع قاتل پدرش آشتی نماید و به مازره کند و زمین را بکشد و با خون دل آمان کرده، از جنگ مالک بیرون آورد و به آرزوی پدرش حمله کند. بی‌زمین، البته "کیهان" برای موفقیت در این کار به کمک و همکاری هیئت نظری احتیاج دارد. به اتفاق، که کیهان ها، در سر کتور به فعال شدن هیئت‌ها و بر داشتن بند زاری بنده "ج" احتیاج دارند. فئودال‌ها جان بکارند. دهقانان حامی انقلابند. بزرگ مالکی را بر زمین، تاقی به حق دار بی‌سواد و بی‌همنه خون ریخته شده بناحق هدر نرود.

حمله به هوادار حزب توده ایران در کرمان

یکی از هواداران حزب توده ایران در کرمان، روز بیستم اسفندماه سال جاری، هنگام پخش اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران درباره توطئه هتمن آمریکا، در بازار این شهر، مورد حمله شخص مشکوک قرار گرفت. شخص حمله کننده در حالی که رفیق ما را مورد ضرب قرار می داد، گفت:

«اگر دهنه دیگر در اینجا پیدایت شود، با چاقو شکست را پاره می کنم.»

بعد از این واقعه، رفیق ما جهت شکایت به کمیته شهر مراجعه کرد. متأسفانه مسئولین کمیته نه تنها به اعتراض رفیق ما ترتیبی ندادند، بلکه وی را مدت بیست و چهار ساعت بازداشت و سپس آزاد کردند.

ما ضمن اعتراض شدید نسبت به اینگونه اعمال خوارانه، از مقامات مسئول شهر کرمان می خواهیم که با توجه به شرایط حساس کشور و توطئه های رنکارانک امپریالیسم آمریکا، بسا هوشتیاری کامل جلو اینگونه اعمال خوارانه را بگیرند.

به مسئولین کمیته انقلاب کرمان نیز گوشزد می کنیم که نگهداری دست انقلابیون بسته و راه به روی ضدانقلاب باز باشد.

نمایشگاه پیروزی انقلاب در بافت کرمان

توسط اعضاء و هواداران حزب توده ایران در بافت کرمان، نمایشگاه عکس و ملبسی از پیروزی انقلاب ۲۲ بهمن ۵۷

تعدادزادی...

یک موضوع جنکی و انبار مهمات استفاده می کرد، ۲ تفنگ نیمه سنگین یکمکد و شش میلیتری مستقر در مرشه آن نیز منهدم شد.

در داخل خاک عراق: از تعداد انبار مهمات ارتش صدام در جریان آتش توپخانه ایران ناآورد شد. آثار دقیق تلفات دشمن هنوز مشخص نشده است. براساس این اعلامیه، دشمن در جبهه دارخوین و مراد نیز بیست و یک کشته و مجروح داشته است. رزمندگان انقلاب در یکی دیگر از جبهه های آبادان موفق شدند. ۴ نفر، چند سنگر انفرادی و اجتمعی و یک تفنگ ۷۰ میلیتری متجاوزین عراقی را نابود کنند. در این عملیات حدود ۳۵ عراقی کشته و مجروح شدند. در دنباله این اعلامیه به حمله نیروهای ایرانی به مواضع دشمن در بخش اشغالی خوین شهر اشاره شده و آمده است:

در این حمله سهست دیده بان و یک تانک سوخت منهدم شد و تعدادی از افراد دشمن در یک منطقه تجمع به هلاکت رسیدند. گار مجروح شدند. مسلحان و کاسا ساحلی زاندرمیری جمهوری اسلامی ایران نیز بمدانظرف بیست و دوم اسفندماه یک فروند کشتی دشمن متوقف در اسکله چهارجراغ عراق را در نزدیکی ناز هدف قرار دادند و آرایه آتش کشیدند. در جریان انفجار این کشتی، که دشمن از آن به عنوان

در جبهه های غرب: در تبادل آتش توپخانه و سلاحهای سنگین و خمپاره انداز بین دلاوران ما و نیروهای صدام در جبهه شورشیرین در خمپاره انداز دشمن نابود شد و تعدادی از افراد ارتش صدام هلاکت رسانیدند. در جبهه میروان نیز ۱۲ تن از افراد ارتش دشمن کشته شدند. در همین منطقه ۴ تن از سربازان ارتش صدام به نیروهای ایران پیوستند و خود را به پادگانهای میروان و سردشت معرفی و درخواست پناهندگی کردند. در منطقه قزاقیه نیز ۴ درجه دار ارتش عراق به نیروهای جمهوری اسلامی ایران پناهنده شدند.

«جاما» هم؟!!

ایران قرار دهد، تا بتواند از آن اتحاد مشهور توده - نفتی را نتیجه گیری کند. ولی آیا این «کشف» یا «ابداع» «جاما» است؟ نه! این تکرار افترای «آریامهر» در مورد «اتحاد ارتجاع سرخ و سیاه» است تکرار اصطلاح «توده - نفتی» ساخته مظهرقناتی از عوامل سرشناس کودتای ۲۸ مرداد است. آیا «جاما» متوجه هست که عمليه حزب توده ایران همزبان چه کسانی است؟

بزعم شاه یلید و ساراک جایتکار، «ارتجاع سرخ» حزب توده ایران بود و «ارتجاع سرماه» مسلمانان مبارز انقلابی و رهبری امام خمینی. و اکنون «جاما» که مانند تمام لیبرالها از پشتیبانی حزب توده ایران از خط ضدامپریالیستی و مردم امام خمینی عمیقاً ناراضی است، یا بیکار بگردن اصطلاح «پشتیبانان و ايسکرای بازماندگان کودتای ۲۸ مرداد» به مسلمانان مبارز و انقلابی اشاره دارد که گویا بپسراه حزب توده ایران قصد اخلاص در اجتماع ۱۴ اسفند را داشته اند!

«جاما» که خود در صف «جبهه ملی» و «نهفت آزادی» و «رنجیر» و «بیکاره» قرار گرفته، ولی حزب توده ایران را در این صف نمی بیند، بلکه در سنگری بکار مسلمانان انقلابی بیرو خط امام خمینی استوار می یابد. حربه افترای را برای کوبیدن حزب توده ایران بکار گرفته است. ولی ما که پشتیبانی از خط ضدامپریالیستی و مردم امام خمینی را براساس منشی اصولی و انقلابی خود انتخاب کرده ایم، از اینگونه حملات پاک نداریم و براف دردمت خود بدون اعوجاج ادامه خواهیم داد.

ما در زمانی سیاست پشتیبانی از مسلمانان انقلابی بیرو خط امام خمینی را اعلام داشتیم که زشتی و نامعناباری سیاسی لیبرالها همچون امروز برمسلا نبوده اما ما که یقین داشتیم پیروزی لیبرال تران همایی با انقلاب را ندارد، در تپه راه آمده ایم و بسوی امپریالیستی نماز می برد، از آن نیروی پشتیبانی کردیم که در مبارزه ضدامپریالیستی و اقدامات مردمی، مقابل لیبرالها سنگ گرفته بود و این نیرو، مسلمانان انقلابی و رهبری امام خمینی بودند. امروز سیاست حزب ما بیش از پیش مست خود را نشان داده است.

«جاما» که با ازبایی نادرست از نیروهای انقلاب و ضدانقلاب، از دوستان و دشمنان انقلاب، و دستگیری سیاسی خود دچار انحراف است، بکجا می رود؟

به ملاقات «محرمانه مهتمس بازوگان و ابراهیم یزدی با برژنفسکی در الجزایر، علت سقوط «نوت» موقت» را «قرس افراطیون مذهبی» از این امر دانسته است که: «بازوگان روابط ایران و آمریکا را حفظ کند و حتی تومسه دهد. و بروس لیکن، کردار سابق سفارت آمریکا، نیز در توضیح پیامدهای ملاقات الجزایر و سقوط «نوت» موقت» به توضیح خبرنگار «واشنگتن پست» گفته است که: «آنها (مخالف بنیاد - گرایان مذهبی) احساس می کردند که دولت موقت بازوگان اندیشه بازگشت به شیوه های «گوشته» در بررسی گوشه های آمریکائی برای استقرار دوباره مناسباتش با ایران، انظرف عناصر تندرو غیرقابل قبول است. گرچه اظهارات این دو جاسوس کارگشته و آگاه از عملیات پشت پرده و «دبیزهای کثیف»، توضیح واضحی بیست نیست، معذالک تا کیدی است آمریکا

مناسبت حوادث ۱۴ اسفند ۵۹ در دانشگاه تهران، «جاما» (جیش انقلابی مردم مسلمان ایران) بیانیهای منتشر ساخته، که در روزنامه «انقلاب اسلامی» مورخ ۲۲ اسفند ۵۹، بجا رسیده است. در این بیانی، «جاما» به روال لیبرالها، خطر آمریکا - دشمن اصلی - و گروهکهای امریکائی و ضدانقلابی را از یاد برده و بنام مبارزه با جاسوداری، قلم خود را به چماقی برای حمله به حزب توده ایران تبدیل کرده است. و متواتر این حمله بی منطقی، جن منشی دروغ و جعل و تحریف نیست.

«جاما» حزب توده ایران را متهم ساخته است که در کنار «سجستجات همه جا حاضر» قصد اخلاص در اجتماع ۱۴ اسفند را داشته و تصریح کرده است که:

«یکبار دیگر اتحاد مشهور «توده - نفتی» قصد انتقام گیری از مصدق را داشت، ولی با آگاهی مردم و حضورشان در صحنه، توطئه فتنه پرآب گردید.»

نامه «مردم» در پاسخ به یکی از روزنامه ها، که ما را به «الفشاری و روشنگری و پیش تراکت و شماره در میتینگ ۱۴ اسفند ۵۹ متهم ساخته بود، نوشت:

«چه در میتینگ ۱۴ اسفند امجدیه و چه در سخنرانی ۱۴ اسفند دانشگاه تهران، حزب توده ایران بیپسوجه شرکت نداشت و اعضاء آن دستور سازمانی داشته اند که در اینگونه مراسم حضور نداشته باشند.»

نامه «مردم» تأکید کرد که: «تقدم حضور توده ایها در میتینگهای مزبور نه تنها از سیاست کلی و کاملاً شناخته شده حزب ما ناشی میشود، بلکه - تکرار می کنیم - در این موارد ما صراحتاً رهنمودهای سازمانی داشته ایم که کسی از ما در امجدیه و در دانشگاه حاضر نباشد.»

اگر رهبری «جاما» با غرض و کینه و پیشدوری با حزب توده ایران دوربر نماند، نیازی نداشت که ایسن افترای، چند روز پس از تکذیب سریع آن، بزبانی دیگری تکرار کند. «جاما» با تکرار دروغ بزرگ شرکت توده ایها در مراسم ۱۴ اسفند ۵۹ دانشگاه تهران خواسته است سفری و کبری را جور سازد، «بازمانده های کودتای ۲۸ مرداد» را بپسراه «پشتیبانان و ايسکرای خود» در کنار حزب توده

آمریکادار ایران...

تیپه از صفحه ۱ «پشیمان» را نمود کرد، شناسایی «خواه ناخواه»، یعنی ظاهری جمهوری اسلامی ایران از سوی آمریکا را گشایش در رحمت بداند، یا برقراری مجدد مناسبات گذشته با آمریکا، «منافع حیاتی» آمریکا را در غارت هست و نیست محافظ کند، یا «بر قدرت دیگر» مقابله کند و مجدداً ایران را به پایگاه نظامی و جاسوسی ضد شوروی تبدیل کند، یا برقراری مجدد مناسبات گذشته با آمریکا و حفظ «منافع حیاتی» آمریکا و مقابله با «بر قدرت دیگر»، بگفته برژنفسکی، «استقلال ایران را مانند گذشته (مانند دوران شاه) بهتر حفظ کند. این دولتی است، بگفته برژنفسکی، «مستقل» و «بگفته بازوگان، «مستقل و معتدل و میانه رو» و به گفته مهتمس بازوگان، «مستقل و مسلمان (مانند سادات) و مستقل (مانند دولت «مستقل» زمان شاه» خردمندانه

به ملاقات «محرمانه مهتمس بازوگان و ابراهیم یزدی با برژنفسکی در الجزایر، علت سقوط «نوت» موقت» را «قرس افراطیون مذهبی» از این امر دانسته است که: «بازوگان روابط ایران و آمریکا را حفظ کند و حتی تومسه دهد. و بروس لیکن، کردار سابق سفارت آمریکا، نیز در توضیح پیامدهای ملاقات الجزایر و سقوط «نوت» موقت» به توضیح خبرنگار «واشنگتن پست» گفته است که: «آنها (مخالف بنیاد - گرایان مذهبی) احساس می کردند که دولت موقت بازوگان اندیشه بازگشت به شیوه های «گوشته» در بررسی گوشه های آمریکائی برای استقرار دوباره مناسباتش با ایران، انظرف عناصر تندرو غیرقابل قبول است. گرچه اظهارات این دو جاسوس کارگشته و آگاه از عملیات پشت پرده و «دبیزهای کثیف»، توضیح واضحی بیست نیست، معذالک تا کیدی است آمریکا

مقاومت خلق بولیوی علیه رژیم فاشیستی نظامیان افزایش می یابد

جند رزایش کمیون سیاسی حزب کویست بولیوی در اظهاریه‌ای، به بررسی و تحلیل اوضاع سیاسی این کشور پس از کودتای ارتجاعی ۸ مرداد ۱۳۵۹ (۳۴ ژوئیه ۱۹۸۰) پرداخت. در زیربختیهای از این سنده از نظر خوانندگان میگذرد: «بولیوی دوران دشواری را میگذراند. نظامیان مرتجع، برهبری لویس گارسیا مسا در سایه نانک، هوابیما و سرنیزه، برکنور فرانسرواتی میکنند. هزاران تن از مردم بولیوی بهلاک رسیده‌اند. به زندان افتاده‌اند، شکنجه شده‌اند و یا مجبور به جلای وطن گردیده‌اند.

بهره جست. در این زمینه، باید همچنین به مبارزه برای فعالیت قانونی سازمانهای سندیکایی و «ک. و. پ» توجه خاص مبذول داشت.

وظایف آتی جنبش مقاومت

کودتای نظامی با سرنوشته همه مردم بولیوی مرتبط است. از اینرو، همه اجزای سیاسی غیر-فاشیستی و سازمانهای خلقی وظیفه دارند، تا بیکار خود را علیه نظامیان هاشکی و توان بخشند. در این گستره، باید به احیای «کمیته ملی دفاع از دمکراسی» (دکوادا) پرداخت.

این واقعیت، که فاشیستها به اشغال و در برخی موارد حتی تخریب کلیساها پرداختند و به دشنامگویی، بیکرد و بازداشت عناصر مذهبی انساندوست دست زده‌اند، نشانه‌آست که کلیسای متعصب، هدفهای دمکراتیک خلق بولیوی و خواسته‌های اجتماعی و اقتصادی آنها بمتناهی خواسته‌های حقه توده‌ها می‌شود.

البته سران مذهبی هم هستند که نه تنها از کودتای استیصال کردند، بلکه خویشتن را در خدمت رژیم نظامی نیز گذاشتند. هدف مقاومت ملی متشکل، که از خلق نیرو میگیرد، سرنگونی رژیم گارسیا مسا است. لیکن دستیابی باین هدف تنها یکی از شرایط بنیادی بیرون رفتن از بحران سیاسی کنونی است. تنها با برکناری این ژنرال و همدستانش نمیتوان تضاد سیاسی اساسی بولیوی را از میان برداشت.

وظایف کنونی «حزب»

حزب کمونیست باید با سازماندهی، هدایت و پیشبرد مبارزات، نقش خود را، بنیان و پیشانگ برولاریا، ایفا کند. کافی نیست که تنها به اعلام نقش پیشانگ خود بپردازیم و مشی سیاسی درست سرگزینیم. کمونیستها باید موتور مبارزه ضدفاشیستی و دمکراتیک توده‌ها باشند. از این رو به حزبی نیاز داریم که از توانایی سازمانی برخوردار باشد. این حزب باید بتواند باز سنگین کار سیاسی - توده‌ای را، که پس از نابودی دیکتاتوری در برابر ما قرار خواهد گرفت، بدوش گیرد. به مبارزات توده‌ای مستگیری مناسب بگذرد و همه اشکال بیکار را گسترش دهد.

هنگامیکه به چنین حزبی با چنین شخصانی بدل یافتیم و از سازمان جوانانی آبدیده و متشکل برخوردار شدیم، متواین با اطمینان به خلق خود بگوئیم که باز دیگر فاشیسم را درهم خواهیم شکست. حقوق پامال شده را باز خواهیم ستاند و نظامی دمکراتیک، ضدامپریالیستی و خلقی در مین خود بدید خواهیم آورد.

(میان تیرها از نامه «مردم» است)

گامهای کودتاچیان درجهت سرکوب سازمانهای دمکراتیک، تسلط بر رسانه‌های گروهی و نابودی بدون چون و چرای هرگونه مقاومت در ارتش بود. آنها از اینراه توانستند به ازغای و خنثی کردن بخش مهمی از مردم موفق شوند.

نیروهای خلق آمادگی کافی را برای رویارویی با کودتاچیان کارکننده نداشتند. این آمادگی حتی هنگامیکه بخشی از نقشه کودتاچیان فاش شده، بدید نیامد.

در این گستره، مسئولیت پس‌سنگینی متوجه «حزب» و بویژه حزب ما بود. ما نتوانستیم سیستم آذوقه‌رسانی مناسبی برای ادامه مقاومت ایجاد کنیم (محاصره اقتصادی معدنچیان حربه موتوری در دست دشمن بود). اینک معلوم شده است که شعار انصاف همگانی در مبارزه با کودتاچیان کافی نبود، نه تنها باین علت که دشمن تدابیر لازم را برای مقابله با آن تدارک دیده بود، بلکه همچنین باین دلیل که مردم را برای استفاده از اشکال موتوری بیکار آماده نکرده بودیم. بنابراین، لازمست که از این تجربیات درس بگیریم و در ارزیابی‌های خود از آنها بهره‌جویم.

دولت دمکراتیک، ضدامپریالیستی و خلقی، که در ۸ تیر ۱۳۵۹ (۲۹ ژوئن ۱۹۸۰) انتخاب شد، بیانشک امیال اکثریت مردم بود. مبارزات توده‌ای از نظر کیفی به مرحله‌ای بالاتر رسید و زحمتکشان به اهمیت وحدت‌سازسانی سندیکایی و سیاسی توفیق یافتند. اینک نیز مقاومت خلق علیه کودتاچیان به مرحله‌ای جدید رسیده است. لازم است که، بطرح خواسته‌های نیروهای دمکراتیک دربار آزادی بیدرتک همه مین‌دوستان زندانی، فراسخوایی نیروهای مسلح دولت از مناطق معدنخیز، انحلال «مناطق نظامی» و بازگشته به اصل استقلال‌دانشگاه، توده‌های مردم را برای نبرد بسیج کرد. نباید تنها به بازیافت آزادیها و حقوق دمکراتیک اکتفا ورزید، بلکه همچنین باید خواسته‌های «ک. و. پ.» را به میان مردم برد و آنها را با شرایط کنونی مبارزه تطبیق داد. باید از انصاف، نظهرات، سرپیچی و دیگر اشکال مقاومت‌خلق، برای تقویت بیکار علیه دشمن فاشیست و بسیج نیروهای خودی،

اینک از هرج و مرج سندیکایی و بلیسوی اجتماعی سخن می‌رود. در اینجا این واقعیت نادیده گرفته میشود که جنبش سندیکایی، بویژه برولاریا، شکیبایی فوق‌العاده از خود نشان داد و از خواسته‌های حقه خود صرف نظر و طرح آنها را بدورانی موکول کرد که نظامی قانونی و دمکراتیک مستقر گردد. باید یادآور شد که در نتیجه سیاست‌یاسر قدرت‌خرید دستمزدها به میزان بیش از یکسوم کاهش یافت.

مقاومت قهرمانانه خلق

نیروهای خلق بیش از در هفته به مقاومت قهرمانانه پرداختند. مناطق معدنخیز به سنگرمقاومت تبدیل شد. معدنچیان «سنگلو ۳۰»، «کاتالوی»، «گاراگوس»، «هوآتونی»، «بولوکو» و «کولکوتیری» و غیره باردیگر شهادت و بیضه‌اشکی بیکارجویانه خویش را در مبارزات طیف کارگران مردم بولیوی بنیوت رسانیدند. در کارخانه‌های دیگر نیز (بویژه در «ماناکو»، «لاپاس» و «کاجایاما») کارگران، بدون آنکه از انتقامجویی کودتاچیان هراسی بدل راه دهند، به مقاومت فعال دست زدند. در بهترین سازمانهای سندیکایی، رهبری همچنان در دست نیروهای انقلابی باقی ماند. «حزب اتحاد دمکراتیک خلق» توانست پایتاکد خود را در کارخانه‌ها، معدن‌ها، روستاها، محلات شهر، دانشگاهها و دبیرستانها حفظ کند.

علل شکست جنبش مقاومت علیه کودتا

شرایط مقاومت در برابر کودتا (۸ مرداد ۱۳۵۹ - نامه «مردم») با (کودتای ارتجاعی سرهنگ ناوتش - نامه «مردم») نوامبر ۱۹۷۹ فرق داشت. در آن هنگام فعالیت «ک. و. پ.» (کانون سندیکایی بولیوی - نامه «مردم») سندیکاهای رهبری «حزب» و حتی پارلمان قطع نشد و هنوز امکان بود که از طریق رسانه‌های گروهی مبارزات کارگران را هماهنگی بخشید. در ارتش نیز جنبش مقاومت در برابر ناوتش بدید آمد. در کودتای اخیر، نخستین

نظامیان جز از امامات اضطرابی بر معنوی ناپیوسته برنامه‌ای دیگر نداشتند. پسرای نومه، گارسیا مسا مردم را فراخوانده است تا «برای بیرون رفتن از بحران اقتصادی هر روز شششنبه بپنونه!» شعار دیگر او آست که «باید ۳۴ ساعت در روز کار کرد و روزهای تعطیل را از میان برداشت، تا بتوان کسری موازنه پرداختها را کاهش داد».

تصمیمات کنونی فرماندهی نیروهای مسلح نشان میدهد که دارودسته کودتاگر بجهت روی لیاقت حکومت را ندارد.

کودتای مرداد تنها بحران را دامن زد

آماج کودتای نظامی - فاشیستی ژوئیه (مرداد) نه تنها دولت وقت، بلکه همه خلق بود. مردم بولیوی در ۸ تیر ۱۳۵۹ (۲۹ ژوئن ۱۹۸۰) باردیگر برنامه‌ای دمکراتیک، ضدامپریالیستی و خلقی را برگزیدند. «حزب اتحاد دمکراتیک خلق» نماینده آن بود. گارسیا مسا تفسیر بحران عمیق اقتصادی (افزایش ورشکستگی، افزایش هتک هزینه‌های زندگی، کاهش تولید، بدهکاری مزین کشور) را بکرن «سه‌سال دمکراسی» و کسانی می‌راند، که در انتخابات ۸ تیر ۱۳۵۹ (۲۹ ژوئن ۱۹۸۰) برنده شدند.

نظامیان این واقعیت را پنهان میدارند که درست رژیم دیکتاتوری یاسر بود که بحران اقتصادی را در سالهای گذشته دامن زد و از سیاسی خائنه پیروی میکرد.

ژوند بر این «فراموش» میشود که در سه‌سال ناپه‌مدتیکه، تولید اقتصادی یاسر عمل میشد و پس از یاسر نیز نمایندگان طیف او زمام امور را بعهده گرفتند. از آنجا که «حزب اتحاد دمکراتیک خلق» حتی لحظه فرصت حکومت را نیافت، نمیتوان آنها مسئول این نابسامانی دانست. از سوی دیگر، این جنبه دارای برنامه‌ایست، که بیاری آن میتوان بر بحران کنونی چیره شد.

کمیسیون حقوق بشر دخالت آمریکا را در السالوادور محکوم کرد

کمیسیون حقوق بشر، که با شرکت ۴۳ کشور در ژنو تشکیل جلسه داده بود، کار خود را بی پایان رسانید. اکثر نمایندگان شرکت کنند در این اجلاس خواستار قطع مداخله آمریکا در امور السالوادور و پایان دادن به عملیات تروریستی رژیم حاکم علیه مین‌دوستان السالوادور شدند.

در این اجلاس مداخله نظامی آمریکا و شرکت مستشاران نظامی آمریکا در عملیات سرکوبی علیه نیروهای ترقیخواه السالوادور محکوم گردید.

در این اجلاس مسئله اشغال سرزمینهای کنونی عربی از جانب اسرائیل و عملیات تروریستی اسرائیل علیه اهالی سرزمینهای اشغال شده مطرح و محکوم شد.

سرکندگان در این اجلاس، نقش حقوق بشر در شیلو و جمهوری آفریقای جنوبی را مورد نکوهش قرار دادند.

هیئت نمایندگان آمریکا علیه قلمنامه‌ای که در محکومیت اقدامات اسرائیل، رژیم فاشیستی بنیوشه و رژیم نژادپرست جمهوری آفریقای جنوبی صادر گردید، رای داد.

خبرگزاری تاس ادعای وزارت امور خارجه آمریکا را تکذیب میکند

در اطلاعیه خبرگزاری تاس آمده است که محافل مسئول اتحاد شوروی اعلام کردند که هیچگونه مستشار نظامی اتحاد شوروی در چاد وجود ندارد. سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا ادعا کرده است که اتحاد شوروی مستشار نظامی به چاد کرده است. فرستاده است. در اطلاعیه تاس خاطرنشان شده است که انتشار اینگونه مستشار نظامی اتحاد شوروی در چاد وجود ندارد. گستاخانه اخبار و رویدادها را به شیوه سیاست رسمی خود تبدیل کرده است.



اعزام کماندوهای آمریکایی به السالوادور

واحدهای بره‌سبزه‌ای آمریکایی بنوان مستشاران نظامی به السالوادور اعزام شدند. این واحدها در سرکوب نیروهای مین‌دوست در جنگ آمریکا علیه ویتنام، بنوان آدمکشان شرکت‌های، در جریان مشهور شده‌اند. این واحدها در سرکوب جنبش انقلابی مردم السالوادور شرکت خواهند کرد. علاوه بر این، هم‌اکنون تنگنادران دریای آمریکا در عملیات سرکوبی علیه مین‌دوستان در این کشور شرکت دارند. با وجود این، واشنگتن تلاش دارد که توجه افکار عمومی را از مداخله نظامی مستقیم آمریکا در السالوادور با اخبار جعلی منحرف کند. وزارت امور خارجه آمریکا به رسانه‌های گروهی توصیه کرده است که درباره رویدادهای السالوادور و نقش آمریکا در این رویدادها اخبار و گزارشهای کثرتی منتشر کنند.

موافقت دولت ایتالیا با احداث لوله گاز از اتحاد شوروی به اروپای غربی

از ریگو مانگا، وزیر بازرگانی ایتالیا، پس از دیدار و گفتگوهایی معاون وزارت بازرگانی خارجی اتحاد شوروی، اظهار داشت: نتایج دیدار ایتالیا تصد دارد و درباره یاده کردن طرح لوله‌کشی گاز از سبیری به اروپای غربی با دولت اتحاد شوروی مذاکره‌ای انجام دهده. دولت ایتالیا قبلا موافقت خود را با اجرای این طرح اعلام کرده و نیز اظهار علاقه نموده است که در کار ساختن این لوله‌کشی شرکت کند.

نامه مردم

آنگاه مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بیزادی
خوابگاه ۱۶ آذر شماره ۶۸ (دفتر نامه مردم) هژون در اختیار نامه «مردم» نیست

NAMEH MARDOM
No. 469
16 March 1981

Price: West-Germany 0.80 DM

خوانندگان گرامی نامه «مردم» و هسه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر با نامه «مردم» مکاتبه کنند: صندوق پستی ۱۶/۳۵۵۱، منطقه پستی تهران

کمک مالی به حزب توده ایران، یک وظیفه انقلابی است!

- داریوش خ. به حزب پدش ۵۰۰ ریال
- سیامک ح. به حزب پدش ۵۰۰ ریال
- الف سمنانی ۱۵۰۰۰ ریال
- ن. ف. از مزد خیطالی ۲۰۰۰ ریال
- حاجی محمد ۲۰۰۰ ریال
- ناصر از خبایان کرگان ۲۰۰۰ ریال
- دیلچه بیکار از تکتابان ۱۰۰۰ ریال
- لعیا به حزب پدش ۲۰۰۰ ریال
- م. ا. خ. کارگر از محل ۲۰۰۰ ریال
- م. س. ۱۰۰۰۰ ریال
- ح. س. ر. ۱۰۰۰۰ ریال

علاقتمندان می‌توانند کمک مالی خود را بحساب بانکی به‌نام تقی کرکتن و به شماره ۳۳۳۲ شمه ۴۱۸ بانک ملی ایران (شعبه همدان)، خبایان شهید دکتر حسین فاطمی بپردازند.